



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



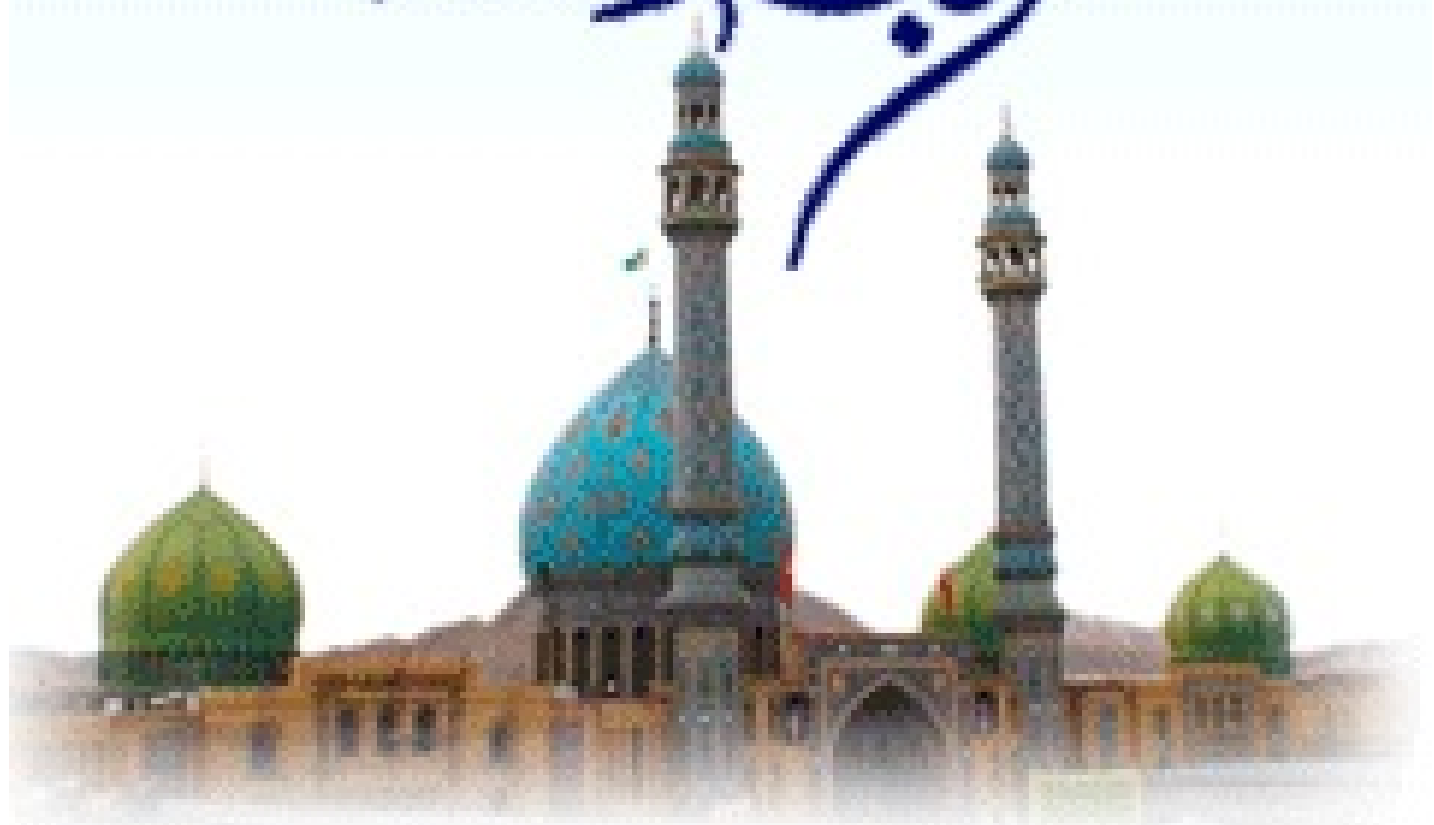
الحق  
علیه  
السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

مهدی منتظر علیہ السلام

در

آیات و روایات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدی منتظر ( عجل الله تعالى فرجه الشريف ) در نهج البلاغه

نویسنده:

مهدی فقیه ایمانی

ناشر چاپی:

حسینیه عمادزاده اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	مهدی منتظر در نهج البلاغه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	پیشگفتار
۳۰	مهدویت در اسلام
۳۴	شناخت کوتاه از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۳۸	ولادت حضرت مهدی (علیه السلام):
۶۰	مهدی منتظر در نهج البلاغه
۶۴	امامت و رهبری در نهج البلاغه
۷۰	پیشگویی های امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) درباره حضرت مهدی (علیه السلام)
۷۰	اشاره
۷۲	خطبه ۱۰۰:
۷۶	خطبه ۱۳۸:
۸۴	خطبه ۱۵۰:
۹۰	خطبه ۱۵۲:
۹۴	خطبه ۱۸۲:
۹۸	خطبه ۱۸۷:
۱۰۴	خطبه ۱۹۰:
۱۱۰	حکمت ۱۴۷:
۱۲۲	حکمت ۲۰۹:
۱۲۶	حکمت یکم:
۱۳۲	خطبه ۹۳:
۱۳۸	منابع کتاب

فهرست مطالب کتاب ..... ۱۴۴

آثار تألیفی مؤلف درباره حضرت مهدی (علیه السلام) ..... ۱۴۶

درباره مرکز ..... ۱۴۸

مشخصات کتاب

مهدی منتظر در نهج البلاغه مهدی فقیه ایمانی

سرشناسه: فقیه ایمانی، مهدی

عنوان و نام پدیدآور: مهدی منتظر (ع) در نهج البلاغه / تألیف مهدی فقیه ایمانی

مشخصات نشر: اصفهان: حسینیه عمادزاده، ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری: ص ۱۴۰

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- مهدویت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- خطبه ها

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- پیشگوئیا

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. برگزیده شرح

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۴۲/ف ۷ م ۹ ۱۳۷۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۵-۹۸۵۳

ص: ۱

اشاره

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أُتْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

(سوره قصص آیه ۵)

اراده و خواست ما براین باشد که بر مستضعفین در زمین تفضل نموده و آنها را پیشوایان جهان و وارثین همه جانبه در صحنه پهناور زمین قرار دهیم.

ص: ۲



« مهدی منتظر در نهج البلاغه »

مهدی فقیه ایمانی

انتشارات حسینیه عماد زاده

چاپ: دوم ، چاپخانه نمونه

بهار ۱۳۷۵ ه ش.

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

ص: ۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بمناسبت هزار و صد و شصت و یکمین فرخنده سالگرد میلاد میمنت اثر بقیه الله الأعظم حضرت حجه بن الحسن العسکری  
عجل الله تعالی فرجه الشریف این کتاب تجدید چاپ شد.

ص: ۵



موضوع امام شناسی ، و التزام به پیروی از مقام امامت ، و ضرورت وجود یک رهبر اسلامی واجد شرائط در هر زمانی ، تنها مربوط به شیعه و یک گروه خاصی نبوده و نیست؛ بلکه واقعیتی است که ریشه عمیق اسلامی دارد و مسلمانان با انواع فرقه گرائی ها و مذاهب گوناگون عقیدتی و فقهی ، همه و همه معتقد و معترف به آن بوده و هستند. به دیگر سخن عقیده به وجود امام در هر زمانی یک واجب الهی است که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آنرا اعلام نموده ، و بار مسئولیت آن را بر دوش همگان نهاده است. آری ، حضرتش انحراف گرایان از خط عقیده به امامت را که از شناخت

امام راستین عصر خود سر باز می زنند جاهلیت گرا و به عنوان کسی که به دوران جاهلیت عقب گرد نماید تعبیر کرده ،  
فرماید:

« من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه »

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیت باشد که در حال شرک و بت پرستی از دنیا رفتند.

این حدیث را زید بن ارقم ، عامر بن ربیعہ عتری ، عبدالله بن عباس ، عبدالله بن عمر بن خطاب ، عویمر بن مالک ( معروف به ابودرداء ) ، معاذ بن جبل و معاویه بن اُبی سفیان از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده اند؛ و گروهی از محدثین عالیمقام و دیگر دانشمندان اهل تسنن هم آن را در مصادر اسلامی ذکر نموده اند؛ و در واقع از احادیث متواتر و قطعی الصدور محسوب می شوند؛ و ما بخشی از مدارک حدیث را پس از توضیح مختصری بنظر خوانندگان می رسانیم.

اکنون نکته لازم به تذکر در این زمینه آن باشد که این حدیث با دیگر احادیثی که به این مضمون وارد شده است نشانگر صدور یک فرمان قطعی اسلامی از ناحیه پیامبر است؛ و با صراحت و تأکید ، توجه عموم را به دو امر مهم جلب می نماید:

۱ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با اضافه کردن کلمه « امام » به کلمه « زمان » ضرورت وجود امام جامع الشرائط و قابل شناخت را در هر عصر و زمانی ( هر چند تنها یک نفر مسلمان وجود داشته

باشد) جهت پیروی از او اعلام فرموده، و چنین امامی جز با امامان معصوم شیعه که آخرین آنها حضرت حجه بن الحسن العسکری(علیه السلام) است نمی تواند با کسی منطبق گردد.

۲ از اینکه پیامبر گرامی(صلی الله علیه و آله و سلم) با اضافه کردن کلمه « میته » به کلمه « جاهلیت » مرگ بدون شناخت امام زمان هر زمانی را مرگ جاهلی توصیف کرده، معلوم می شود که این امام نه یک شخص عادی و معمولی، بلکه همانند پیامبر برخوردار از عالی ترین درجه شخصیت همه جانبه علمی و عملی، و رابط بین خلق و خالق است که نشناختن آن عینا بسان نشناختن پیامبر، موجب گمراهی خواهد بود. اکنون کسانی که بخواهند غیر از این نظریه را بپذیرند، برای ایشان بیش از دو راه وجود ندارد: یا اصل حدیث را انکار نمایند؛ در صورتیکه این حدیث به شرحی که بعدا ایراد می گردد قابل تردید و انکار نیست؛ یا آنکه بگویند: مقصود هر امام و زمامداری است که با هر وسیله ای، هرچند با قهر و زور، با کودتا و خونریزی، و بالاخره با پشت کردن به قرآن و معیارهای اسلامی و انسانی روی کار آید. بنابراین معاویه ها، یزیدها، مروان ها، عبدالملک ها، منصور دوانیقی ها، هارون ها، مأمون ها، متوکل ها، امام زمان های عصر خود بوده اند، که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نشناختن آنها را جاهلیت گرایی و عامل گمراهی و حشر و نشر با مردم جاهلیت اعلام کرده است؛

و هم اکنون شناختن زمامداران کشورها و مناطق مسلمان نشین را با ویژگی‌هایی که دارند، باید جهت شناخت اسلام و پیروی از احکام آن، جزء وظایف اسلامی دانست، و مرگ بدون شناخت آنان را مرگ جاهلی نامید.

و این پنداریست غلط، باطل، مغایر با روح اسلام، و مسخره آمیز، که هیچ انسان عاقل و آگاهی آن را نمی پذیرد. بدین ترتیب و بر اساس نظر شیعه، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با ایراد این حدیث شریف، امامت افراد غیر معصوم و جایز الخطا در تبلیغ و اجراء احکام اسلام را نفی، و غیر قابل قبول و در آخر جاهلیت گرائی خوانده؛ و این بیان چیزی است که شیعه در طول قرن ها به آن معتقد بوده است. (۱)

ص: ۱۰

۱- و از آن منقصتها ده خصوصیت مهمه است که اشاره بآنها میشود. خصوصیت اول آنکه: در قصد بهشت و حور العین و قصور و اشجار و انهار این منقصت است که در هر عملی در ثواب و جزاء آن حد معینی از آنها یعنی بهشت و قصور مقرر است که در اخبار اهلیت اطهار علیهم السّلام که اختصاص دارد علم این امر بآنها مذکور است، و مقتضای آن تحدید و تعیین آن است که بنده باید عامل بآن عمل بشود تا آنکه استحقاق آن حدّ معین را پیدا نماید و عامل بودن هم موقوف است بآنکه انسان عمل را بتمامه بکیفیت صحیحه با جمله شرایط ظاهریه و باطنیه آن بجا آورد بوجهی که ثابت شده باشد از فرمایش اهلیت اطهار علیهم السّلام پس در هر درجه از اجزاء یا شرایط عمل نقصانی حاصل شود نقصان باصل عمل حاصل میشود و باین سبب بنده از اهل آن عمل محسوب نمی شود و بر فرض وقوع عمل هم از بنده بر وجه تمام نیست بشرایط قبول آن، پس در هر عملی که بجا آورد استحقاق اجر مقرر همان عمل را پیدا میکند و اما آنچه را که بجا نیآورد مستحق اجر آن نمیشود. و لکن در قصد نمودن طلب رضای خداوند متعال را در عبادات خصوصاً بعنوان محبت و انس پیدا کردن با او و لاسیما عنوان موالات با اولیاء اطیبین او، پس اولاً بنده از همان بدو شروع در عمل و بهر سعی که نماید یا حرکتی کند یا نفسی بکشد عامل بآن شده است نهاییه تا ختم آن عمل هر چه بیشتر سعی نماید عمل او اکمل میشود بواسطه آنکه چون غرض اصلی در عمل محبت و درستی نمودن است با خداوند متعال. پس هر درجه سعی او جداگانه محبتی است از او نسبت بخداوند عزوجل و در این حال مادامی که خللی باین قصد خاص وارد نشود هیچ امری دیگر محل باصل عمل او نیست هر چند آن عمل بتمام اجزائه و شرائطه تحقق پیدا نکند در خارج، پس بنده بهر درجه از آن که موفق شد از اهل محبت است کاملاً. پس نماز مثلاً از برای اهل آن درجات عالیاتی مقرر است در بهشت و لکن موقوف است بآنکه مجتمع باشد در آن آداب و احکام و شرایطی که از جمله است خضوع و خشوع قلب در ان بتوجه تامّ بجانب ملک علام جل شأنه که اگر این توجه نباشد در ان بنده، در زمره اهل نماز محسوب نیست، و لکن هر گاه عمدۀ قصد و غرض در ان محبت و دوستی با خداوند متعال باشد و طلب رضای او باین عمل که محبوب اوست، پس نماز بهر درجه که از او واقع شود عنوان محبت از او بعمل آمده و داخل میشود در زمره محبتین خصوصاً با ملاحظه آنکه از دوست هر چه باشد قلیل آن هم در نظر دوست پسندیده و کبیراست و باین ملاحظه نماز با همان درجه نقصان ان وسیله قرب بنده و معراج او میشود، پس اخلاص نیت باین عنوان محبت اعظم مکملات نقصان نماز است، پس چنین است امر در باب توسل بحضرت ابی عبداللّه علیه السّلام بهر عنوان از زیارت و اقامه تعزیه و نصرت و مودت که اگر فی الحقیقه قصد و نیت بنده در ان حبّاً لله و لرسوله و لاولیائه علیهم السّلام باشد پس از آن وسیله فوز بدرجات عالیات



قرب خداوند متعال است هر چند بظاهر قلیل و حقیر باشد. خصوصیت دوم آنکه: در قصد بهشت و حور و قصور چون او غرض اصلی بنده است پس بر فرض وقوع عمل هم صحیحا و مقبولا، جزاء همان است و دیگر جزاء و ثواب فعلی ندارد، جز بعضی از خصوصیات دنیویّه چون فرج در شدائد، ولکن در قصد محبت خالصه با خداوند متعال و طلب رضای او، پس چون تمام توجه بنده در جمله جهات عبادت قبلا- و بعدا و مقاررا بجانب خداوند متعال است، پس جزاء فعلی این توجه بنده، توجه خداوند است بسوی او، در هر حال بنظر تلطف و مرحمت، و در این توجه الهی حاصل است اکمل مراتب لذائد از برای اهل آن، و در این توجه الهی است نور قلب از برای بنده، و شرح صدر و اطمینان نفس است که بنده، در هر حال احساس میکند در قلب خود آثار قبولی عمل را بهمان تکمیل مرتبه نورانیت. و باین سبب شدید میشود میل و رغبت و رجاء او در عبادات و عمل، و هیچ حال یأس از برای او حاصل نمیشود، و امادر قسم اول، پس استحقاق این مرتبه از نورانیت قلب،

















اکنون بخاطر آنکه خواننده گرامی نسبت به مدارک حدیث آگاه و آشنا گردد ، تعدادی از اسناد آن را از کتاب های اهل  
تسنن بنظر می رسانیم:

ص: ۱۸

- ۱ احمد بن حنبل (در گذشته ۲۴۱) در «مسند» ج ۲ ص ۸۳ و ج ۳ ص ۴۴۶ و ج ۴ ص ۹۶.
- ۲ ابو عثمان جاحظ (۲۵۵) به نقل ابو جعفر اسکافی در «نقض کتاب العثمانيه» ص ۲۹.
- ۳ بخاری (۲۵۶) در «صحیح» خود ج ۵ ص ۱۳ باب فتن.
- ۴ ابوداود طیالسی (۲۵۹) در «مسند» ص ۲۵۹، چاپ حیدرآباد هند.
- ۵ مسلم (۲۶۱) در «صحیح» ج ۶ ص ۲۱، شماره ۱۸۴۹.
- ۶ احمد بن عمر بزاز (۲۹۲) در زوائد ج ۱ ص ۱۴۴ و ج ۲ ص ۱۴۳ نیز به نقل «مجمع الزوائد».
- ۷ دولابی (۳۲۰) در «الکنی و الاسماء» ج ۲ ص ۳.
- ۸ حاکم نیشابوری (۴۰۵) در «مستدرک» ج ۲ ص ۷۷، ۱۱۷.
- ۹ ابوالقاسم طبرانی (۳۶۰) در «معجم کبیر» ج ۱۰ ص ۳۵۰ شماره ۱۰۶۸۷ چاپ بغداد، و ج ۱۰ ص ۱۰۶۸۷ چاپ بیروت؛ و در «معجم اوسط» به نقل «مجمع الزوائد» ج ۵ ص ۲۲۴.
- ۱۰ حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰) در «حلیه الاولیاء» ج ۳ ص ۲۲۴.
- ۱۱ بیهقی (۴۵۸) در سنن ج ۸ ص ۱۵۶، ۱۵۷ نقل از بخاری و مسلم.
- ۱۲ شمس الدین سرخسی (۴۹۰) در «مبسوط» ج ۱ ص ۱۱۳.
- ۱۳ ابن اثیر جزری (۶۰۶) در «جامع الاصول» ج ۴ ص ۷۰ (۲۴).

۱۴ ابن ابی الحدید معتزلی (۶۵۶) در «شرح نهج البلاغه» ج ۹ ص ۱۵۵. (۲۵)

۱۵ نووی (۶۷۶) در «شرح صحیح مسلم» ج ۱۲ ص ۲۴۰، و در «ریاض الصالحین» ص ۱۶۴ چ مصر.

۱۶ ذهبی (۷۴۸) «ذیل مستدرک حاکم» ج ۱ ص ۷۷، ۱۱۷.

۱۷ ابن کثیر دمشقی (۷۷۴) در «تفسیر» ج ۱ ص ۵۱۷.

۱۸ تفتازانی (۷۹۲) در «شرح المقاصد» ج ۲ ص ۲۷۵ و در «شرح عقاید نسفی» چاپ ۱۳۰۲، اما چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن به دست خیانت کاران حذف و ساقط شده، فاقد این مطلب است.

۱۹ نورالدین هیشمی (۸۰۷) در «مجمع الزوائد» ج ۵ ص ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۵ و ۳۱۲.

۲۰ ابن دبیع شیبانی (۹۴۴) در «تیسیر الوصول» ج ۲ ص ۳۹.

۲۱ متقی هندی (۹۷۵) در «کنز العمال» ج ۳ ص ۲۰۰ چاپ حیدرآباد هند؛ و ج ۶ ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۳ چاپ حلب.

۲۲ ملا علی قاری (۱۰۱۴) در خاتمه «الجواهر المضية» ج ۲ ص ۵۰۹ و ص ۴۵۷ به نقل از مسلم.

۲۳ شاه ولی الله دهلوی (۱۱۷۶) در «ازاله الخفاء» ج ۱ ص ۳.

۲۴ قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع الموده» ص ۱۱۷ چاپ اسلامبول.

۲۵ قاضی بهلول زنگنه زوری (۱۳۰۰) در «تاریخ آل محمد» که از ترکی اسلامبولی به فارسی ترجمه و مکرر به چاپ رسیده است.

ص: ۲۰

اینها مدارک حدیث از صحاح و مسانید اهل تسنن است ، به اضافه چهل و پنج مدرک دیگر از علمای سنی که در کتاب « شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی ( ص ۲۸ ۴۴ ) » به قلم اینجانب مفصلاً ارائه و معرفی شده ، و همه آنها این حدیث را با ذکر سند و متن های مختلف اما هم مضمون آورده اند.

و اگر مدارک حدیث را از کتابهای شیعه بر اینها بیفزائیم در این صورت به بالاترین درجه از تواتر خواهد رسید.

ص: ۲۱



مسأله مهدویت در اسلام، آنچنانکه شیعه مطرح می کند، یکی از اصیل ترین پایه های تداوم اسلام، و شرط اساسی انقلاب جهانی اسلام و پیروزی و حاکمیت همه جانبه آئین قرآن بر دیگر آئین ها و حکومت های جهان است.

زیرا تنها در سایه رهبری امام واجد شرایط و خلیفه معصوم و منبعث از جانب بنیانگذار اسلام است که اسلام راستین با آزادی کامل و ابعاد گسترده اش در همه شؤون علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، عبادی، اخلاقی، فرهنگی، قضائی، نظامی و ...

می تواند در سراسر جهان و در میان عموم توده های بشری

خودنمائی کند؛ و در همین حال وعده الهی در قرآن مجید (۱) مبنی بر پیروزی مستضعفان بر مستکبران عیبت و تحقق پیدا نماید.

مگر نه این است که در طول چهارده قرن گذشته تاریخ اسلام صدها کشور بزرگ و کوچک و جزیره و امیرنشین و شیخ نشین در گوشه و کنار جهان وجود داشته و دارد که مردمش و هیئت حاکمه اش و صدا و سیمایش و دانشگاه و دادگستریش همه و همه دم از اسلام زده و می زنند.

و هم اکنون در همه این مراکز انواع شعارهای اسلامی از طریق رسانه های گروهی و کتاب و مقاله ، با ابعاد گسترده تر از گذشته توجه عموم را به خود جلب کرده ، و اکثراً مدعی هستند و تا حدی هم راست می گویند که قانون اساسی خود را از روی قرآن تدوین نموده اند.

ولی متأسفانه نمی توانیم یک کشور پهناور حدود چهل میلیون نفری همچون مصر ، بلکه یک کشور بسیار کوچک یا منطقه شیخ نشینی را معرفی کنیم که نظام صد در صد اسلامی بر آن حاکمیت داشته ، و از هر جهت مورد عمل بوده باشد.

در صورتیکه اگر رهبری کشورها را زمامداران لایق و مسلمان که هم آگاهی از اسلام داشتند و هم آزادی

ص: ۲۴

---

۱- « وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ » ؛ قصص ۲۸/۵ .

از سرسپردگی اجانب و استعمارگران عهده دار بودند، این چنین انواع انحراف گرائی، کجروی مادی و معنوی، فقر و عقب افتادگی همه جانبه، و ظلم و فساد جایگزین اسلام نمی شد. و این چنین اختلافات عقیدتی و اخلاقی و سیاسی و مسلکی و طبقاتی و اجتماعی، بیش از یک میلیارد مسلمان را دچار تفرقه و جدائی نمی کرد؛ و تحت نفوذ دشمنان اسلام و استعمارگران قرار نمی داد؛ و دست گدائی آنان را در جهت علم و صنعت و خوراک و پوشاک و دارو و درمان پیش شرق و غرب دراز نمی نمود.

بدین ترتیب عدل و مساوات واقعی و جهانی و نجات از یوغ ظلم و جور و جهل و نادانی و فقر و ناآمنی معنا و مفهومی نخواهد داشت، مگر با روی کار آمدن یک زمامدار لایق و نیرومندی که با آزادی مطلق و به دور از هرگونه ترس و تقیّه و وابستگی و خودفروختگی، در صحنه عمل وارد شود؛ و قبل از هر چیز اسلام اصیل را از چنگال اسارت زمامداران نالایق و خود فروخته، و مسلمانان فریب خورده آزاد سازد؛ و آنگاه بر اساس قوانین اصیل اسلامی و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) بر مردم حکومت نماید. آری به عقیده شیعه امامیه، و محققان اهل تسنن، این لباسی است که به قامت یکتا فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام)، « مهدی منتظر (عج) » دوخته شده؛ و تنها اوست که مسؤولیت این کار به عهده اش واگذار شده؛ و هم اوست که در سایه رهبریش



مستضعفان جهان بر مستکبران پیروز، و آنچه را که قرآن مجید در رابطه با حکومت جهانی و زمامداری مطلق به بندگان شایسته خدا نوید داده و گوید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱) به برکت وجود او، و به دست او تحقق خواهد یافت.

ص: ۲۶

---

۱- «ما در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که زمین را بندگان شایسته خدا به ارث خواهند برد»؛ انبیاء ۲۱/۱۰۵.

## شناخت کوتاه از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نام: محمّد. پدر: امام حسن عسکری (علیه السلام). مادر: نرجس (۱).

القاب: حجت ، خاتم ، صاحب الزّمان ، قائم ، منتظر ، و از همه

ص: ۲۷

---

۱- و به نقلی ملیکه دختر یشوعا پسر قیصر روم ( که نسب وی به وصی مسیح ، شمعون الصفا ، می رسید ) بود؛ و در جنگ اعراب و روم بر اثر شکست رومیان اسیر ، و طبق معمول آن روز به عنوان کنیز در بغداد به معرض فروش درآمد؛ و نماینده حضرت هادی (علیه السلام) وی را برای امام عسکری (علیه السلام) خریداری ، و در اختیار آن حضرت قرار داد.

مشهورتر مهدی.

شکل: چون ستاره درخشان نورانی، و دارای خالی سیاه بر گونه راست.

زاد روز: شب نیمه شعبان ۲۵۵، هنگام طلوع فجر.

زادگاه: شهر سامراء.

غیبت صغری: از سنّ پنج سالگی به مدّت ۶۹ سال.

نمایندگان: چهار نفر از شخصیت های شیعه به نامهای:

۱ ابو عمرو، عثمان بن سعید بن عمرو عمری اسدی، وکیل و نماینده پیشین امام هادی و امام عسکری علیهما السلام.

۲ فرزند او، ابو جعفر، محمد بن عثمان بن سعید، در گذشته ۳۰۴.

۳ ابوالقاسم، حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی، در گذشته ۳۲۶.

۴ ابوالحسن علی بن محمد سمري، در گذشته ۳۲۹.

محل اقامت نامبردگان بغداد، و کلیه امور شیعیان و خواسته ها و نامه های آنان به وسیله این چهار نفر انجام و ردّ و بدل می شد؛ و آرامگاه آنان نیز در بغداد مشهور است.

غیبت کبری: با در گذشت چهارمین نماینده و سفیر آن حضرت از سال ۳۲۹ آغاز گردید؛ و تا به هنگام فرمان الهی مبنی بر اجازه ظهور و قیام آن بزرگوار، همچنان ادامه خواهد داشت.

نمایندگان و وظیفه مردم در دوران غیبت کبری: کسیکه فقیه

ص: ۲۸

خویشتن دار ، مخالف هوای نفس ، و فرمانبر امر خداوند باشد ، اونماینده امام زمان است؛ و بر دیگران لازم است از او پیروی کنند؛ زیرا اینگونه افراد از طرف امام بر مردم حجّت اند ، و امام از طرف خداوند بر آنان حجّت باشد(۱).

هنگام ظهور: آنگاه که منادی حقّ از جانب آسمان ندا دهد: حقّ با آل محمّد است. نام مهدی بر سر زبانها افتد؛ مردم دل‌باخته او شوند؛ و از کسی جز او سخن نگویند. محل ظهور: مکه معظمه. محل بیعت (تعهد مردم در پیروی از امام): مسجدالحرام ، میان رکن و مقام. نشانی: فرشته ای از بالای سر او فریاد می زند: این مهدی است ، او را پیروی کنید. یادگار انبیاء: انگشتر سلیمان در انگشت او ، عصای موسی در دستش ، و بطور خلاصه آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد. یاران: سیصد و سیزده نفر ( به عدد اصحاب بدر ) ، افرادی باشند که هسته مرکزی زمامداری او را تشکیل دهند؛ و در حقیقت کارگردانان اصلی قیام مهدی(علیه السلام) ، و کارگزاران درجه اول انقلاب جهانی اسلام خواهند بود که از اطراف جهان به دور حضرتش گرد

ص: ۲۹

---

۱- « من كان من الفقهاء حافظا لدينه ، مخالفا لهواه ، مطيعا لأمر مولاه ، فللعوام أن يقلدوه ، فانهم حجّتي و أنا حجه الله عليهم ».

روش حکومتی: بر اساس قرآن و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام امیرمؤمنان (علیه السلام).

شعاع و دامنه حکومت: سراسر جهان را فرا گیرد؛ و زمین را از عدل و داد پر کند در حالی که از جور و ستم پر شده باشد.  
مرکز حکومت: مسجد کوفه ، مرکز خلافت و حکومت جدّ بزرگوارش علی (علیه السلام) .

چگونگی پیروزی بر دشمنان: همانند پیروزی جدّ عالی مقامش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر کافران و مشرکان ، خداوند او را با گروههای منظم هزار نفری از فرشتگان (۱) یا سه هزار نفری که از آسمان فرود آمدند (۲) یا پنج هزار نفری که دارای نشان مخصوص بودند (۳) مدد داد؛ و نیز در جبهه های جنگ یاریش کند ، آنچنان که مؤمنان را در حال شکست در بدر (۴) و دیگر جبهه های فراوان و روز تاریخی حنین (۵) یاری و پیروز فرمود و در جنگ احزاب ،

ص: ۳۰

---

۱- « فاستجاب لکم انی مُمدُّکم بألف من الملائکه مُردفین » ، أنفال ۸/۹ .

۲- « ألن یکفیکم أن یمدکم ربکم بثلاثه آلاف من الملائکه منزلین » ، آل عمران ۳/۱۲۴ .

۳- « بلی . . . یمدکم ربکم بخمسه آلاف من الملائکه مسؤمین » ، آل عمران ۳/۱۲۵ .

۴- « ولقد نصرکم اللّٰه ببدر و أنتم أذله » ، آل عمران ۳/۱۲۳ .

۵- « ولقد نصرکم اللّٰه فی مواطن کثیره و یوم حنین » ، توبه ۹/۲۵ .

رعب و وحشت در دل کفار و مشرکان فرو ریخت (۱).

مدت زمامداری: روایات که اکثراً مربوط به اهل تسنن است در این باره باختلاف سخن گفته ، اما به عقیده شیعه خدا آگاه است. وزیر و معاون: عیسی (علیه السلام) از آسمان فرود آید و به عنوان وزیر با حضرتش همکاری نماید. برکات حکومت و رهبری او: درهای خیر و برکت از آسمان به روی مردم گشوده شود؛ عمرها به درازا کشد؛ مردم همه در رفاه و بی نیازی بسر برند؛ شهرها همه بر اثر آبادانی و سرسبزی به هم پیوسته گردند ، آنچنان که مسافران را به برداشتن توشه نیازی نخواهد بود؛ و اگر زنی یا زنانی تنها از مشرق به مغرب روند کسی را با آنها کاری نباشد.

### **ولادت حضرت مهدی(علیه السلام):**

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می نمائیم و آن اینکه:

اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند مسأله امامت که در

ص: ۳۱

---

۱- « و قذف فی قلوبکم الرعب فریقا تقتلون و تأسرون فریقا » ، أحزاب ۳۳/۲۶.

پیشگفتار بدان اشاره کردیم یک مسأله اتفاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است. چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنن منکر، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه، و در منابع عقیدتی، حدیثی و تاریخی خود صریحا بدان اعتراف کرده اند.

ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبت و... با شیعه هم عقیده اند. با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، شده ایم، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف، و آن را موکول به بعد نموده است، ما در این مقدمه به اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه همعقیده، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم؛ و برای تفصیل بیشتر، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب «الامام المهدی عند اهل السنه»<sup>(۱)</sup> و مقدمه آن ارجاع

ص: ۳۲

---

۱- این کتاب تألیف این ضعیف، شامل ۵۶ متن حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.

۱ ابوبکر محمد بن هارون رویانی ( در گذشته ۳۰۷ ) در « مسند » مخطوط موجود در کتابخانه ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت « مهدی » در جلد سوم « الامام المهدی عند اهل السنه » مندرج ، تا به یاری خدا چاپ و منتشر گردد.

۲ ابن ابی ثلج ، ابوبکر ، محمّد بن احمد بن بغدادی ( ۲۳۸ ۳۲۲ ) از بزرگان محدثان و مؤلف « تاریخ الأئمه » که به عنوان « موالید الأئمه » به پیوست « الفصول العشره فی الغیبه شیخ مفید » و « نوادر راوندی » به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به چاپ رسیده؛ و در این کتاب انتساب حضرت مهدی (علیه السلام) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحا اعتراف نموده است.

۳ ابوالعباس ، احمد بن ابراهیم بن علی کنندی ، شاگرد ابن جریر طبری ، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی ، مقیم مکه ، و راوی کتاب « موالید الأئمه ».

۴ ابو علی ، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی ، راوی کتاب « موالید الأئمه » ابن ابی ثلج به سال ۳۵۰ از کنندی سابق الذکر.



۵ ابو مسعود ، احمد بن محمد بن عبدالعزيز بن شاذان بجلی، نویسنده و قاری رساله « موالید الأئمه » بر ابومنصور شیرازی.

۶ ابومنصور ، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذبور را از ابی مسعود شنیده و نوشته است. ۷ ابومحمد ، اسد بن احمد ثقفی که رساله « موالید الأئمه » را از ابومنصور گرفته است. ۸ ابوماجد ، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است. ۹ ابوعبدالله ، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است. ۱۰ محب الدین ، ابو عبدالله ، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی (۶۴۳) که شاگرد ابن جوزی ، مدرس مدرسه « مستنصریه » بغداد ، و مؤلف « ذیل تاریخ بغداد شامل ۴۰ جلد » بوده و محتوای رساله « موالید الأئمه » را از مشایخ سه گانه پیشین ( ابومحمد ثقفی ، ابوماجد ، ابوعبدالله فاخر قرشی ) شنیده و ضبط نموده است.

۱۱ نسب شناس مشهور ، ابونصر ، سهل بن عبدالله بخاری زیدی ( بعد ۳۴۱ ) در « سرُّ السلسه العلویّه » پیرامون نام امام حسن عسکرس (علیه السلام) چاپ نجف.

۱۲ مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی ( ۳۴۶ ) در « مروج الذهب » جلد ۸ ، چاپ لیدن به ضمیمه ترجمه فرانسوی ص ۴۰.

۱۳ خوارزمی ، محمد بن احمد بن یوسف کاتب ( ۳۸۷ ) در « مفاتیح العلوم » ، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵ ، ص ۳۳۳۲.

۱۴ حافظ ابوالفتح ، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی ( ۴۱۲ ۳۸۸ ) در « اربعین » خود شماره ۴ به نقل « کشف الاستار » محدث نوری ص ۲۹ چاپ اول.

۱۵ جعفر بن محمد بن المعتمد مستغفری سمرقندی ( ۴۳۲ ) در « دلائل النبوه و المعجزات » ( بنا به نقل شیخانی در « الصراط السوی » ).

۱۶ ابوبکر ، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی ( ۴۵۸ ) در « شعب الایمان » چاپ دائره المعارف هند.

۱۷ مؤلف « مجمل التواریخ و القصص » فارسی ، ( تألیف سال ۵۲۰ ) ، ص ۴۵۸ چاپ تهران.

۱۸ احمد بن ابی الحسن نامقی جامی ( ۵۳۶ ) به نقل « ینایع الموده » ضمن احوال امیر مؤمنان ، باب ۸۷ ص ۵۶۶.

۱۹ ابن خشاب ، أبو محمد ، عبدالله بن احمد بغدادی ( ۵۶۷ ) در « تاریخ موالید الائمہ و . . . » (۱) به نقل « کشف الأستار » و « أعیان الشیعه » .

۲۰ اخطب خوارزم ، موفق بن احمد حنفی ( ۴۸۴ ۵۶۸ ) در

ص: ۳۵

---

۱- جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به « الذریعه » ۲۳/۲۳۳ ، و « معجم المؤلفین » ۶/۲۰.

« مقتل امام حسين » ( که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند ) ج ۱ ص ۹۴ ، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل « ینایع الموده » ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنه ۱۳۰۱ و « کشف الاستار » علامه نوری.

۲۱ یحیی بن سلامت خصکفی شافعی ( ۵۶۸ ) به نقل مؤلفان « تذکره الخواص » ص ۳۶۰ چاپ نجف و « ینایع الموده » باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه.

۲۲ ابن ازرق ، عبدالله بن محمد بن فارقی ( ۵۹۰ ) در « تاریخ میا فارقین » به نقل « وفيات الاعیان » ( ج ۳ ص ۳۱۶ ، شماره مسلسل ۵۳۴ ).

۲۳ خلیفه عباسی ، الناصرلدين الله ، احمد بن مستضی ء ( ۶۲۲ ) روی درب مُبَّت کاری صفة سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده.

۲۴ شهاب الدین ، یاقوت بن عبدالله حموی رومی بغدادی ( ۶۲۶ ) در « معجم البلدان » ( ج ۳ ص ۱۷۳ ) پیرامون کلمه « سامراء ».

۲۵ شیخ فرید الدین عطار ، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی ( ۶۲۷ ) در دیوانش به نام « مظهر الصفات » به نقل « ینایع الموده » باب ۸۷.

۲۶ ابن اثیر جزری ، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی ( ۶۳۰ ۵۵۵ ) در « الکامل » ذیل سنه ۲۶۰.

۲۷ شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی ( ۶۳۸ ) به نقل شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵ از باب ۳۶۶ « فتوحات مکیه » او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده. نیز حمزوی در « مشارق الانوار » و صبان در « اسعاف الراغیین » این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند.

۲۸ شیخ سعد الدین ، محمد بن مؤید حمویه ، معروف به سعد الدین حموی ( ۶۵۰ ) در رساله « مهدی منتظر » به نقل جامی در « مرآه الاسرار ».

۲۹ شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی ( ۵۸۲ ۶۵۲ ) در « مطالب السئول فی مناقب آل الرسول » باب ۱۲ و نیز در « الدر المنظم » که بخشی از آن در باب ۶۸ « ینایع الموده » ( ص ۴۹۳ ۴۹۴ ) درج و به چاپ رسیده است (۱).

۳۰ شمس الدین ، یوسف بن قزاوغلی ، سبط ابی الفرج بن جوزی ( ۶۵۴ ) در « تذکره خواص الامه فصل ویژه حضرت مهدی » که در تهران و نجف به چاپ رسیده است.

۳۱ حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی ( ۶۵۸ ) در « کفایه الطالب » پیرو نام امام عسکری (علیه السلام) و در «  
البيان فی

ص: ۳۷

---

۱- نسخه مخطوط « الدر المنظم » در کتابخانه حسین باشا در آستانه ترکیه بشماره ۳۴۶ موجود است. [الغدیر ۵/۴۱۴]

أخبار صاحب الزمان « باب ۲۵ که مکرر در ایران و نجف و بیروت چاپ شده است.

۳۲ جلال الدین بلخی رومی (۶۷۲) در « مثنوی » ، ضمن قصیده « ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند ». [ « ینابیع الموده » ، باب ۸۷ ]

۳۳ صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا و فلاسفه (۶۷۳) در قصیده « رائیه » خود به نقل « کشف الاستار » محدث نوری شماره مسلسل ۳۱.

۳۴ ابن خلکان (۶۸۱) در « وفيات الاعیان » ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ بولاق مصر ، و در چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴.

۳۵ عزیزالدین ، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی (۶۸۶) در رساله خود به نقل « ینابیع الموده » پایان باب ۸۷. و او غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف « عقاید النسفیة » و در گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان « کشف الاستار » و « منتخب الاثر » با یکدیگر اشتباه نموده اند ، و مؤلف « دانشمندان عامه و مهدی موعود » تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است.

۳۶ حکیم ادیب ، عامر بن بصری نزیل سواين روم (۶۹۶) در « تائیه » خود که به نقل « معجم المؤلفین » ۵/۵۴ بنام « ذات الانوار » با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده ، و علامه نوری در صفحه ۵۵ « کشف الاستار » این

ص: ۳۸

بخش از اشعار او را ذکر نموده است.

۳۷ مورخ نامی ، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی ( ۷۳۰ ) در « تاریخ گزیده فارسی » ص ۲۰۶ ۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران.

۳۸ شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموئی شافعی ( ۶۴۴ ۷۳۲ ) در « فرائد السمطين » ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بیروت.

۳۹ مورخ شهیر ، ابوالفداء ، عمادالدین اسماعیل بن علی ، حاکم حماه از بلاد سوریه ( ۷۳۲ ) در « المختصر فی اخبار البشر » ذیل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵.

۴۰ کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی ( ۷۳۰ یا ۷۳۵ ) در « تحفه الاخوان فی خصایص الفتیان » به نقل سعید نفیسی در « سر چشمه تصوف در ایران » ص ۲۱۶.

۴۱ عارف شهیر علاءالدوله سمنانی ، احمد بن محمد شافعی ( ۶۵۹ ۷۳۶ ) به نقل خواجه پارسا در « فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال و اقطاب » که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است.

۴۲ مورخ شهیر ، شمس الدین محمد ذهبی ( ۶۷۳ ۷۴۸ ) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده ، در تاریخ « دول الاسلام » ج ۱ ص ۱۵۸ ذیل سنه ۲۶۰؛ نیز در « العبر فی خبر من غبر » ج ۲ ص ۲۰ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.

۴۳ ابن وردی ، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس ( ۶۹۱ ۷۴۹ ) در « تتمه المختصر » معروف به تاریخ ابن وردی ،

ص: ۳۹

چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذیل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی (علیه السلام). ۴۴ شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی انصاری ( ۶۹۳ ۷۴۷ یا ۷۴۸ یا ۷۵۰ ) در « معراج الوصول الی معرفه فضیله آل الرسول » که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است.

۴۵ صلاح الدین صفدی خلیل بن ایبک ( ۷۶۴ ) مؤلف « الوافی بالوفیات » و « شرح لامیه العجم » و « شرح الدائرہ » به نقل « ینابیع المودہ » باب ۸۶.

۴۶ حافظ محدث ، عبدالله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی ( ۷۶۵ ) در « الرياض الزاهره فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهره » به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ، ص ۹۳ و ۲۱۵ ۲۱۶ چاپ قدیم.

۴۷ مورخ شهیر ، عبدالله بن علی یافعی یمنی شافعی ( ۷۰۰۷۶۸ ) در « مرآه الجنان » ج ۲ ص ۱۷۲ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.

۴۸ سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند ( ۷۸۶ ۷۱۴ ) در « موده القربی » و « اهل العباء » که نسخه عکسی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است ، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ « ینابیع المودہ » ص ۲۸۸ ۳۱۷ چاپ نجف مندرج است.

ص: ۴۰

۴۹ ابو ولید ، محب الدین ، محمّد بن شحنه حلبی حنفی ( ۷۴۹ ۸۱۵ ) در « روضه المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر » که مختصر « تاریخ ابوالفداء » است و در حاشیه « مروج الذهب » به سال ۱۳۰۳ در مصر به چاپ رسیده است ج ۱ ص ۲۹۴.

۵۰ عارف شهیر و مورخ نامی ، محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی ( ۸۲۲ ) در « فصل الخطاب » که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپی آن نزد اینجانب موجود می باشد؛ و گویا در هند به چاپ رسیده است؛ و بخش ویژه ائمه اثنا عشر آن مندرج در باب ۶۵ « ینابیع الموده » می باشد.

۵۱ مورخ شهیر ، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی ( ۷۷۷ ۸۴۵ ) در « مجمل فصیحی » چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱ ، ج ۱ ص ۲۳۱ ، ضمن رویدادهای ۲۵۵.

۵۲ شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی ، معروف به ملک العلماء زاولی دولت آبادی ( ۸۴۹ ) در « هدایه السعداء فی مناقب السادات » به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ص ۷۳ و « البرهان » علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق.

۵۳ خواجه افضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی اصفهانی ( ۸۵۰ ) در « تنقیح الادله و العلل » ترجمه « ملل و نحل » شهرستانی ، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷.



۵۴ ابن صباغ ، نورالدین ، علی بن محمد مالکی ( ۷۳۴۸۵۵ ) در « الفصول المهمه فی معرفه الاثمه » ضمن فصل ویژه حضرت مهدی(علیه السلام) ، ص ۲۷۴ چاپ غری. ۵۵ شیخ عبدالرحمن بسطامی ( ۸۵۸ ) در « دره المعارف » به نقل « ینابیع الموده » باب ۸۴. ۵۶ ابوالمعالی ، سراج الدین ، محمد بن عبدالله حسینی رفاعی مخزومی بغدادی ( ۸۸۵ ۷۹۳ ) در « صحاح الاخبار فی نسب الساده الفاطمیه الاخیار » ص ۱۴۳ ، چاپ ۱۳۰۶ مصر. ۵۷ نورالدین ، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی حنفی شاعر ( ۸۹۸ ) صاحب « شرح کافیه » در « شواهد النبوه » که در لکهنو و بمبئی در ۴۴ صفحه بیچاپ رسیده است و فتوکیبی نسخه خطی مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است.

۵۸ محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی ( ۹۰۱ ) به نقل قندوزی در « ینابیع الموده » باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف.

۵۹ مورخ نامی ، میرخواند ، محمد بن خاوند شاه ( ۹۰۳ ) در « روضه الصفا » ج ۳ ص ۵۹ ۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی(علیه السلام) ، که در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد.

۶۰ قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی ( در گذشته بعد ۹۰۹ ) که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده ، در قصیده خود که شامل سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است

ص: ۴۲

و در مسأله پنجم از بخش سوم « ابطال الباطل » آنرا ذکر نموده ، و نگارنده عین آن را در مقدمه « الامام المهدي عند اهل السنه » بخش مخطوطات آورده است.

۶۱ ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی (۹۱۰) در « روضه الشهداء » فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره.

۶۲ قاضی حسین بن معین الدین میدی یزدی حکیم (۹۱۱) از شاگردان ملا جلال الدین دوانی در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران.

۶۳ فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸) در « نور الهدایه فی اثبات الولاية » که بار اول ضمیمه « خصایص » ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری ، و بعدا به سال ۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است.

۶۴ ابوالحسن ، علی بن محمد شاذلی (۸۵۷۹۳۹) بنا به نقل شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » باب ۵۶.

۶۵ مورخ نامی ، خواند میر (۹۴۲) ، سبط میرخواند مؤلف « روضه الصفا » در تاریخ « حیب السیر » ج ۲ ص ۱۰۰ ۱۱۳.

۶۶ شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳) در « الأئمه إثنی عشر » ص ۱۱۷ چاپ دارالصادر بیروت.

۶۷ شیخ حسن عراقی ( بعد ۹۵۸ ) مدفون بالای کوم الریش در مصر ، به نقل شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۰ و در « لوائح الانوار » چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹ ، ملاقات و

اجتماع او را با حضرت مهدی (علیه السلام) ذکر نموده است.

۶۸ شیخ علی خواص ، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب شعرانی ( بعد ۹۵۸ ) به نقل شاگردش « لواقح الانوار » ج ۲ ص ۱۵۰ و « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵.

۶۹ تقی الدین ابن ابی منصور ( تاریخ فوت او بدست نیامد ) شعرانی در « الیواقیت و الجواهر » آغاز باب ۶۵ از کتاب « عقیده » او نقل کرده است.

۷۰ مورخ شهیر ، قاضی حسین بن محمد دیار بکری ( ۹۶۶ ) در « تاریخ الخمیس » ج ۲ ص ۳۴۳ پیرامون حوادث ۲۶۰ و رویدادهای ایام معتمد عباسی.

۷۱ عارف شهیر ، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی ( ۸۹۸ ۹۷۳ ) در « الیواقیت و الجواهر » مبحث ۶۵.

۷۲ شهاب الدین ، شیخ الاسلام ، احمد بن حجر هیثمی شافعی ( ۹۰۹ ۹۷۴ ) در « صواعق المحرقه » ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳ هجری مصر ،

۷۳ سید جمال الدین ، عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله شیرازی نیشابوری ( ۱۰۰۰ ) در « روضه الاحباب » فارسی ، چاپ ۱۲۹۷ لکهنو و ۱۳۱۰ هند ، در فصل ویژه حضرت مهدی (علیه السلام).

۷۴ محدث شهیر ، ملاعلی بن سلطان هروی قاری ( ۱۰۱۴ ) در « المرقاه فی شرح المشکاه » که بخش ویژه حضرت

مهدی (علیه السلام) از آن در جلد دوم « الامام المهدی عند اهل السنه » به چاپ رسیده است.

۷۵ مورخ شهیر و فاضل ، ابی العباس ، احمد بن یوسف بن احمد دمشقی قرمانی ( ۹۳۹ ۱۰۱۹ ) در تاریخ « اخبار الدول و آثار الاول » ص ۱۱۷ ، ضمن باب ویژه خلفاء و ائمه .

۷۶ امام ربانی ، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی ( ۹۷۱ ۱۰۳۱ ) ، که از بزرگان صوفیه هند بوده ، و از وی به مجدد هزاره دوم تعبیر کرده اند ، در « مکتوبات » ج ۳ مکتوب آخر .

۷۷ عارف شهیر ، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی ( بعد ۱۰۴۵ ) در « مرآه الاسرار » ، فارسی ، شامل شرح حال مشایخ صوفیه ( که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است ، و نسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد ) و شاه ولی الله دهلوی نیز در کتاب « الانتباه فی سلاسل اولیاء الله واساتید و ارثی رسول الله » از آن نقل کرده است .

۷۸ عارف شهیر ، بدیع الزمان قطب مدار ، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب « مرآه الاسرار » را به خاطر او نوشت و او معاصر وی بود ، و از اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود؛ و به نقل « کشف الاستار » علامه نوری ، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷ ، عبدالرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده

ص: ۴۵

آورده است.

۷۹ ابوالمجد ، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی ( ۱۰۵۲ ۹۵۹ ) در رساله ویژه مناقب ائمه و احوال آنها به نقل « کشف الاستار » تحت شماره ۱۲.

۸۰ مورخ شهیر ، عبدالحی بن احمد ، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی ( ۱۰۳۲ ۱۰۸۹ ) در « شذرات الذهب » ضمن حوادث ۲۶۰ هجری ، ص ۱۴۲ ، چاپ ۱۳۵۰.

۸۱ شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری ( بعد ۱۰۹۴ ) در « الصراط السوی فی مناقب آل النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) » .

۸۲ عبدالملک بن حسین بن عبدالملک بن عصامی مکی ( ۱۰۴۹ ۱۱۱۱ ) در کتاب « سمط النجوم العوالی » ج ۴ ص ۱۳۷ پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و ص ۱۳۸.

۸۳ میرزا محمد خان بن رستم بدخشی ( ۱۱۲۲ ) در « مفتاح النجا فی مناقب آل العبا » ص ۱۸۱ ، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۵]

۸۴ سید عباس بن علی مکی ( بعد ۱۱۴۸ ) در « نزهة الجلیس » ج ۲ ص ۱۲۸ ، چاپ قاهره.

۸۵ شیخ عبدالله بن محمد شبرای شافعی مصری ( ۱۱۷۲ ) ، شیخ جامع ازهر ، در « الاتحاف بحب الاشراف » ص ۶۸ ۶۹ ، چاپ قاهره.

۸۶ احمد بن علی بن عمر ، شهاب الدین ، ابوالنجاح منینی

ص: ۴۶

حنفی دمشقی ( ۱۰۸۹ ۱۱۷۳ ) در کتاب « فتح المنان » در شرح منظومه « الفوز و الامان » شیخ بهائی ، ص ۳ ، چاپ قاهره؛ متن این کتاب در « الامام المهدی عند اهل السنه » اینجانب عینا به چاپ رسیده است.

۸۷ شاه ولی الله ، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی ( ۱۱۱۰ ۱۱۷۶ ) در « المسلسلات » معروف به « الفضل المبین » قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده ، و با سکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است. نیز ( به نقل « کشف الاستار » شماره ۲۶ ) در « الانتباه فی سلاسل اولیاء الله » در این زمینه شرح مفصّلی از جامی آورده است.

۸۸ شیخ سراج الدین ، عثمان دده عثمانی ( ۱۲۰۰ ) در « تاریخ الاسلام و الرجال » ص ۳۷۰ ، نسخه مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی. [ملحقات احقاق الحق ۱۳/۹۲]

۸۹ شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی ( ۱۲۰۶ ) در « اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بینه الطاهرین » (۱) ذکر نموده است.

۹۰ مولوی علی اکبر بن اسدالله مودودی ( ۱۲۱۰ ) از مشاهیر

ص: ۴۷

---

۱- این کتاب کرارا در حاشیه « نورالابصار » شبلنجی ، ویکبارهم در حاشیه « مشارق الانوار » حمزوی در مصر به چاپ رسیده است.

علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در « مکاشفات » که حواشی بر « نفحات الانس » جامی است ( ج ۷ ، ص ۳۲۷ ) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود.

۹۱ مولوی محمد مبین هندی لکهنوی ( ۱۲۲۰ ) در « وسیله النجاه » چاپ گلشن فیض ، ص ۳۱۶.

۹۲ شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی ( ۱۱۵۹ ۱۲۳۹ ) ، مؤلف « تحفه اثنا عشریه » بنا به نقل « استقصاء الافهام » ص ۱۱۹ در « النزّه » روایت ابن عقله ، مربوط به ملاقات بلاذری را از « فضل المبین » پدر خود نقل کرده ، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد.

۹۳ خالد بن احمد بن حسین ، ابوالبهاء ، ضیاءالدین نقشبندی شهرزوری ( ۱۱۹۰ ۱۲۴۲ ) از بزرگان صوفیه ، در « دیوان فارسی » خود به نقل « مجمع الفصحاء » رضا قلی هدایت ، ج ۲ ، ص ۱۱ ، چاپ ۱۳۲۹.

۹۴ رشیدالدین دهلوی هندی (۱۲۴۳) در « ایضاح لطافه المقال » بنقل « الامام الثانی عشر » علامه عبقانی ، ص ۴۷ ، چاپ نجف.

۹۵ نسب شناس شهیر ، ابوالفوز ، محمد امین سویدی بغدادی ( ۱۲۴۶ ) در « سبائك الذهب فی معرفه قبائل العرب » ص ۸۷ در خط عسکری ذکر نموده است.

ص: ۴۸

۹۶ قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری حنفی ( ۱۲۵۰/۱۱۸۸ ) ، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد ، در « البراهین الساباطیه فیما یتقیم به دعائم الملّه المحمدیه » چاپ عراق ، به نقل « کشف الاستار » .

۹۷ شیخ عبدالکریم یمانی ( قبل ۱۲۹۱ ) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت مهدی (علیه السلام) سروده و در « ینابیع الموده » عینا آنها را آورده است.

۹۸ محدث عالیقدر ، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان ( ۱۲۲۰ ۱۲۹۴ ) در « ینابیع الموده » آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹ ، که بارها در ترکیه ، هند ، عراق ، ایران ، و در هفتمین بار به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسیده است.

۹۹ شیخ حسن عدوی حمزوی شافعی مصری ( ۱۳۰۳ ) در « مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار » ص ۱۵۳ ، چاپ مصر.

۱۰۰ عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الایاری ( ۱۳۰۵ ) در « جالیه الکدر » شرح منظومه سبزواری ص ۲۰۷ چاپ مصر.

۱۰۱ مؤلف « تشیید المبانی » ( ۱۳۰۶ ) به نقل علامه محقق میر حامد حسین نیشابوری هندی در « استقصاء الافهام » ص ۱۰۳ ، چاپ لکهنو.

۱۰۲ سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری ( ۱۲۵۲ بعد ۱۳۰۸ ) در فصل ویژه حضرت مهدی (علیه السلام) در « نور الابصار »



ص ۱۵۰، چاپ ۱۳۲۲ مصر.

۱۰۳ عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حصرمی ( ۱۳۲۰ )، مفتی حصرم یمن، در « بغیه المسترشدین » ص ۲۹۶، چاپ مصر، به نقل از جلال الدین سیوطی.

۱۰۴ محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب « جوهره الکلام » مطبوع، ص ۱۵۷، در فصلی که تحت عنوان « المجلس الثلاثون فی فضائل محمد المهدی رضی الله عنه » ویژه حضرت مهدی (علیه السلام) گشوده، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است.

۱۰۵ عماد الدین حنفی، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در « کشف الأستار » ص ۶۰، اعتراف به ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) نموده، ولی علامه نوری از نصّ کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است.

۱۰۶ فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری ( ۱۳۵۰ ) در « محاکمه در تاریخ آل محمد [ ص ] » که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ رسیده، و نمایشگر عالی ترین و محققانه ترین بحث در باره امامت است.

۱۰۷ شیخ عبیدالله امرتسری حنفی، معاصر، در کتاب « ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب [ ع ] » که به زبان اردو نگارش و در لاهور به چاپ

ص: ۵۰

۱۰۸ سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی ، معاصر ، در کتاب خود « سیره الامام العاشر علی الهادی [ع ] » ص ۱۳۱.

۱۰۹ محمد شفیق غربال ( ۱۳۱۱ ۱۳۸۱ ) ، مورخ شهیر و عضو مجمع لغوی در قاهره ، در « دائره المعارف » که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته ، و به سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده ، زیر عنوان « الأئمه الإثنی عشریه » نوشته است که حضرت مهدی (علیه السلام) در سنه ۸۷۳ میلادی ( که همزمان با ۲۶۰ هجری ، آغاز غیبت صغری می باشد ) غایب گردیده.

۱۱۰ خیرالدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی ( ۱۳۱۰ ۱۳۹۶ ) در « الأعلام » ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم ، ضمن فصلی که به نام « محمد بن الحسن العسکری » باز نموده ، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است.

۱۱۱ یونس احمد سامرائی در کتاب « سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری » که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده ، در ص ۴۶ پیرامون واژه « عسکری » می گوید:

« گروهی از شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند ، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری ، و او مهدی منتظر است. »

و در پاورقی همین صفحه تصریح به قبه و سرداب غیبت نموده و می گوید: « همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده. »

آنگاه می نویسد: « این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند. » بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی (علیه السلام) نوشته اند صریحا و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است.

۱۱۲ مستشار عبدالحلیم جندی مصری ، معاصر ، در کتاب « الامام جعفر الصادق » ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شؤن اسلامی مصر ، ۱۳۹۷. آری ، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) تصریح کرده اند؛ و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی (علیه السلام) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد؛ و کسانی که قائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند. اکنون با این شناخت فشرده از امام مهدی (علیه السلام) ، لازم است به اصل مطلب که « مهدی منتظر در نهج البلاغه » باشد پردازیم.

ص: ۵۲

باتوجه به اینکه مجموعه « نهج البلاغه » از دیدگاه حدیث ، ادب و تاریخ از عالی ترین درجه اعتبار و سندیت (۱) برخوردار

ص: ۵۳

---

۱- کتاب « مصادر نهج البلاغه و اسانیده » تألیف علامه محقق و دانشمند گرانقدر ، مرحوم سید عبدالزهره حسینی عراقی ، شامل پژوهش و تحقیق از اسناد حدیثی ، تاریخی و ادبی « نهج البلاغه » می باشد؛ که برای یک یک خطبه ها ، نامه ها و کلمات امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ، ۱ تا ۱۲ سند حدیثی ، تاریخی و ادبی از منابع سنی و شیعه ارائه نموده؛ و به حق از عالی ترین و ارزنده ترین کارهایی است که پیرامون شناخت کتاب و استناد آن به امام (علیه السلام) انجام گرفته ، و اهمیت و ارزش کتاب را در اختیار همگان قرار داده؛ و ضمن چهار مجلد برای دومین بار در بیروت به چاپ رسیده است. نیز در همین زمینه « مصادر نهج البلاغه » به قلم دانشمند لبنانی ، شیخ عبدالله نعمت ، رئیس دادگاه جعفری بیروت ، که در یک جلد چاپ و منتشر گردیده. و جز این دو کتاب « مدارک البلاغه و دفع الشبهات عنه » به قلم علامه جلیل شیخ هادی کاشف الغطاء است که ضمیمه « مستدرک نهج البلاغه » همان مؤلف در بیروت به چاپ رسیده.

می باشد ، و سخنان برگزیده باب مدینه العلم رسول الله ، امام امیرالمؤمنین ارواحنا فداه در این کتاب ، بیانگر اسلام راستین و برگردان شیوائی است از قرآن کریم؛ این سؤال مطرح می شود که موضوع مهدویت در اسلام بطور کلی و انطباق آن با امام دوازدهم شیعه « حجت بن الحسن العسگری علیه السلام » از نظر « نهج البلاغه » چگونه و تا چه حد از واقعیت برخوردار و قابل قبول است؟

به دیگر سخن ، آیا با چشم پوشی از همه آنچه در احادیث اسلامی و منابع تاریخی راجع به حضرت مهدی (علیه السلام) بازگو شده و بطور عموم در اختیار همگان ، به ویژه پژوهشگران و محققان سنی و شیعه قرار گرفته ، کتاب شریف « نهج البلاغه » تا چه اندازه بازگوی اصل مهدویت ، و روشنگر مشخصات و ویژگیهای حیاتی آن حضرت ، و ارائه دهنده نقش وجودی او در جهت سازندگی اسلامی می باشد؟

ضمناً برای روشن شدن موضوع بحث ، قبلاً توجه

خوانندگان را به این حقیقت جلب نموده که هرچند در کشمکش های عقیدتی و بحث و مجادله های مذهبی بین شیعه و سنی ، خلافت بلافصل خود امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) موضوع بحث و گفتگو است ، ولی بُعد دیگر امام که حضرتش نمونه انسان کامل ، و داور عادل ، و مثل اعلامی انسانی و بیدار کننده وجدان انسان های دردمند ، و باب مدینه العلم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ، و کلید قرآن است ، جای بحث و گفتگو نیست. از این جهت گفتار او می تواند جدا کننده حق از باطل ، و روش او نمایانگر اسلام اصیل باشد؛ و بدین ترتیب آنچه را که با زبان بیان و با عمل نشان داده ، معیار و الگویی باشد که هر کس با اتکاء به آن و پیروی از آن راهش را پیدا کند و در تصمیم گیریهای عقیدتی ، و روشهای فقهی ، سیاسی ، اجتماعی ، اخلاقی ، و دیگر شؤون حیاتی و دینی بدان گردن نهد.

کوتاه سخن آنکه سخنان امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کتاب شریف « نهج البلاغه » بزرگترین سند اسلامی ، و حجتی است از طرف خدا بر همه مسلمانان جهان.

بر این اساس حتی برادران اهل تسنن ، که پایبند به مقام رهبری و خلافت امام (علیه السلام) در مرتبه چهارم هستند ، گفتار و رفتار حضرتش برای آنها حجت است؛ و ناگزیر باید در برابر آن سر تسلیم فرود آورند.

اکنون یاد آوری این مطلب بجاست که موضوع مهدی منتظر

در « نهج البلاغه » منشعب از دو رشته از سخنان امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این کتاب می باشد. بدیگر عبارت ، مسأله مهدویت امام دوازدهم ، و ظهور حضرتش در آخر الزمان در کتاب « نهج البلاغه » از دو نظر قابل بررسی و دارای زمینه برای مطالعه و تحقیق است. نخست از دیدگاه ملاحم و پیشگوئیهای امام (علیه السلام) که مواردی از آن ( امثال روی کار آمدن بنی امیه ، حکومت حجاج بن یوسف ، سقوط بنی امیه ، افتادن زمام امور به دست بنی العباس ، قیام زنج در بصره ، فتنه مغول و . . . ) در گذشته به وقوع پیوسته ، و موارد دیگر مربوط به آینده جهان است از قبیل خبر از ( ظهور ) حضرت مهدی (علیه السلام) و قیام جهانی آن بزرگوار ، که به خواست خدا در آینده به وقوع خواهد پیوست. و از آن پس از دیدگاه مسائل امامت که باز سخنان امام (علیه السلام) پیرامون آن شامل دو بخش است؛ بخشی ویژه امامت و رهبری اهل بیت و . . . از نظر کلی؛ و بخش دیگر ویژه امامت و رهبری مطلقه و جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) بخصوص.

این بحث بیاری خدا ، و استعانت از مقام والای ولایت ، در فرصتی بسیار کوتاه تنظیم گردیده؛ و مایه نهایت خوشحالی نویسنده است که محتوای آن با دقت مورد توجه صاحب نظران ارجمند قرار گرفته ، و به حکم: « فَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ »

موارد نقص و اشتباهش را تذکر دهند تا در فرصت چاپ مجدد، ترمیم، و مؤمنان را سود بخشد.

## امامت و رهبری در نهج البلاغه

در اینجا نخست فهرستی از سخنان امام(علیه السلام) را که پیرامون امام، رهبر، خلیفه، مسؤول، و زمامداری بر مسلمانان ایراد فرموده، به آگاهی خوانندگان ارجمند رسانده(۱)، آنگاه می پردازیم به بحث و بررسی پیرامون آنچه در رابطه با « مهدویت در اسلام» و پیشگویی از ظهور و قیام فرزندش حضرت مهدی(علیه السلام)، و تحقق یافتن حکومت جهانی اسلام در سایه رهبری آن بزرگوار وارد

ص: ۵۷

---

۱- این مطلب در مراتب زیر خلاصه می گردد: ۱ اصل مساله امامت و رهبری در اسلام ۲ شرایط امامت یا مشخصات و ویژه گیهای امام و رهبر ۳ انواع مسئولیت های مقام رهبری و قلمرو فعالیت آن ۴ موقیعت اهل بیت و صلاحیت همه جانبه آنها در تصدی مقام خلافت و رهبری ۵ سیره و روش امام امیرمؤمنان علیه السلام از آغاز اسلام تا دوران خلافت و نقش آن حضرت در جهت رهبری ۶ رهبری مطلقه و جهانی در اسلام ۷ ظهور و قیام امام دوازدهم و تحقق یافتن رهبری و زعامت بی قید و ....



گردیده؛ و با توجه به اینکه « نهج البلاغه » چاپ صبحی صالح شامل فهرس متعدد ، و بیش از دیگر چاپها مورد توجه و مراجعه می باشد ، شماره خطبه ها و صفحات بر اساس آن تنظیم گردیده است.

□

ص: ۵۸

تصوير

□

ص: ٥٩

تصوير

□

ص: ٦٠

تصوير

□

ص: ٦١

تصوير

□

ص: ٦٢

پیشگوئی های امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) درباره حضرت مهدی (علیه السلام)

اشاره

بر اساس « نهج البلاغه » چاپ صبحی صالح

ص: ۶۳



« وَخَلَّفَ فِينَا رَايَةَ الْحَقِّ ، مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقٌ ، وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحَقٌ ، دَلِيلُهَا مَكِيثُ الْكَلَامِ ، بَطْنِيءُ الْقِيَامِ ، سَرِيعٌ إِذَا قَامَ ، فَإِذَا أَنْتُمْ أَلَنْتُمْ لَهُ رِقَابَكُمْ ، وَ أَشْرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ فَلَبِثْتُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ، حَتَّى يُطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ ، وَ يَضُمُّ نَشْرَكُمْ ، فَلَا تَطْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ ، وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ مُدْبِرٍ ، فَإِنَّ الْمُدْبِرَ عَسَى أَنْ تَزَلَّ بِهِ إِحْدَى قَائِمَتِيهِ ، وَ تَثْبِتَ الْأُخْرَى ، فَتَرْجِعَا حَتَّى تَثْبِتَا جَمِيعَا »

او ( پیامبر ) پرچم حق را برافراشت و در میان ما به یادگار گذارد؛ آن کس که از زیر سایه این پرچم پای پیش نهد از شریعت اسلام خارج گردد؛ و آن کس که از پیرویش سر باز زند به هلاکت رسد؛ و سرانجام کسیکه زیر سایه این



پرچم به پیش رود راه سعادت پیموده و به آن دست یابد.

پرچمدار این پرچم با شکیبائی و آرامش سخن گوید؛ و با کندی و تأنی در اجرای کارها بپا خیزد؛ اما چون بپا خواست بسی شتاب کند تا به پیروزی نهائی رسد؛ پس آنگاه که سر در گرو فرمانش نهادهید، و با سرانگشت به سویش اشاره کردید، دوران او سپری شده و مرگش فرارسد. از آن پس ناگزیر مدتی که مشیت الهی اقتضاء کند در انتظار بسر برید، آنگاه خداوند شخصیتی را برانگیزد تا شما را (که به اختلاف و جدائی گرائیده اید) جمع کند و پراکندگی شما را سر و سامان بخشد. پس به کسیکه (چیزیکه) رو نکرده دل مبندید؛ و از آن که رو گردانده ناامید مشوید<sup>(۱)</sup>.

آگاه باشید که آل محمد صلی الله علیه و آله همانند ستارگان این گنبد مینا باشند؛ آن هنگام که یکی از آنها

ص: ۶۶

---

۱- شاید مقصود این باشد که به امام حاضر که به دنیا بی توجه است، یا از اصلاح کار شما در شرائط موجود ناتوان است، طمع موزید؛ و از امام زمان که غائب می شود ناامید نگردید که رمز پیروزی و کلید حل مشکلات در دست اوست. چه ممکن است کسیکه روگردانده یک پایش بلغزد، و پای دیگرش برقرار ماند، آنگاه پس از مدتی هر دو با هم بجای خود برگردند (و دین خدا را که دستخوش حوادث شده ثبات و استقرار بخشد).

غروب کند دیگری بدرخشد.

گوئی چنان است که در پرتو آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نعمتهای الهی را بر شما فراوان و تمام شده می بینم؛ و آنچه را که آرزویش را در دل می پروراندید بدان دست یافتید.

ابن ابی الحدید می نویسد: امام این خطبه را در سومین جمعه زمامداری خود ایراد فرمود؛ و ضمن آن به مطالبی پیرامون احوال خود اشاره کرد. سپس همچون دیگر شارحان، بی چون و چرا هدف از ایراد این خطبه را پیشگوئی از مهدی و توصیف آن حضرت دانسته و می گوید: شخصی را که خدا برمی انگیزد از اهل بیت است؛ و این سخن اشاره به مهدی آخرالزمان می باشد و در نزد ما (اهل تسنن) غیر موجود است و از این پس وجود پیدا خواهد کرد؛ و به عقیده امامیه اکنون موجود می باشد (۱). اکنون لازم است که درباره «و لا تَیَأْسُوا مِن مَّیْدَبِرٍ» توضیح دهیم که معنی آن این است که از کسیکه روگردانده مایوس و ناامید مشوید؛ و مصداق آن غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) و روگردانی آن حضرت از تصدی ریاست و زعامت ظاهری باشد، تا هنگام ظهور.

ولی ابن ابی الحدید به خاطر فرار از رفتن زیر بار ولادت آن

ص: ۶۷

بزرگوار و غیبتش به دست و پا افتاده ، و خواسته است وانمود کند لازمه « مُدْبِر » بودن ، موجود بودن است ، و در صورت عدم تولّد و موجود نبودن ، تعبیر به ادبار و روگردانی غلط است و مفهوم معقولی ندارد.

آنگاه کلمه « و لا تَيَأْسُوا مِن مُدْبِرٍ » را این چنین معنا می کند که هرگاه این مهدی از دنیا رفت و فرزندان او را بجانشینی برگزید و کار یکی از آنها به اضطراب و ناپایداری گرائید ، پس مأیوس نشوید و به شکّ نیفتید و نگوئید شاید ما در پیروی اینان دچار اشتباه شده ایم ، زیرا . . .

اکنون این گونه بیراهه روی در تفسیر کلام روشن امام (علیه السلام) را ، جز به مخالفت با واقعیات و تعصب مذهبی ، بر چه چیز می توان تطبیق کرد؟! جوابش به عهده خود خوانندگان است و نیازی به توضیح ندارد.

« يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى ، إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى ، وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ ، إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ، حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ ، بَادِيَا نَوَاجِدُهَا ، مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا ، حُلُومًا رِضَاعُهَا ، عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا » او هوای نفس را به هدایت و رهنمود الهی بر می گرداند ، آن هنگام که مردم هدایت الهی را به خواسته های نفسانی بر گردانده اند. و آنگاه که مردم قرآن را تفسیر به رأی کنند او آراء و نظریات را به قرآن گرایش دهد. ابن ابی الحدید پیرامون این فراز سخنان امام علی (علیه السلام) می گوید:

این کلام اشاره به امامی است که خداوند او را در

آخرالزمان به وجود می آورد و همو باشد که در روایات و آثار به او نوید داده شده است ؛ و مقصود از گرایش به قرآن ، لغو احکام صادره از روی رأی و قیاس ، و منع از عمل بر طبق گمان و تخمین ، و جایگزین کردن عمل بر طبق قرآن است.

بدین ترتیب ابن ابی الحدید به پیشگویی امیرمؤمنان(علیه السلام) از ظهور و قیام حضرت مهدی(علیه السلام) ، و نقش او در حاکمیت هدایت الهی و قرآن بجای هوی و هوس و رأی و قیاس که روش عقیدتی و فقهی اهل تسنن به ویژه فرقه حنفی را تشکیل می دهد اعتراف نموده ، اما زیر بار ولادت حضرت از پیش نرفته ، و خاطر نشان می کند که بعدا متولد خواهد شد. و این ادعا در مقدمه کتاب مردود گردید. اما آنچه ما خود از کلام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می فهمیم این است که به طور کوتاه می گوئیم: برنامه کار و سازمان حکومت آن امام بزرگوار و موعود اسلام ، همچون زمامداران جهان ، متکی بر هوی و هوس ، و دین سازی و زور گوئی و قوانین تحمیلی نیست؛ بلکه بر اساس رشد عقلی و پیشرفتهای علمی است ، که در سایه هدایت قرآن و تعالیم عالیه اسلام و رهبری حضرتش پایه گذاری می شود. همانطوریکه پیامبر عالی مقام اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) ، در پرتو قرآن و دستورات اسلام ، در مدت کوتاهی روح ایمان ، یکتاپرستی ،

نوع دوستی، عدالت، رفاه، نظم و امتیّت همه جانبه، و علم و دانش را جایگزین عقاید شرک آمیز مذاهب باطل، ردّ ائله اخلاقی، انواع تبعیضات و تجاوزات، فقر علمی، و دیگر چیزها نموده، و سرانجام وضع نکبت بار زندگی جاهلی را از ریشه دگرگون ساخت؛ و عالیترین راه و رسم زندگی و کسب سعادت را به مردم آموخت؛ و درهای ثروت مادی و معنوی را بر روی آنان گشود.

و امام (علیه السلام) در فراز بعد چنین خاطر نشان می فرماید که: رویدادها و حوادث بدانجا منتهی می شود که جنگ همه را به پا خیزاند، و همانند حیوان درنده ای که در موقع حمله دهان خود را برای دریدن شکار و بلعیدن آن، تا آخرین حد باز می کند به شما نیشخند زند؛ پستانهای آن از شیر پر گشته (۱)؛ مکیدن شیر آن بس شیرین است، و سرانجام بس زهر آگین. آری، همانطور که دیدیم و می بینیم، در آغاز جنگ، نوعاً غنائم جنگی و موفقیت‌هایی نصیب جنگجویان می شود؛ و به امید بهره بیشتر و پیروزی کامل جنگ به ذائقه آنها شیرین می آید، آنچنانکه هر یک از طرفین طرح آتش بس طرف دیگر را

ص: ۷۱

---

۱- شاید کنایه از مواد و مهمات جنگی باشد که از هر سو به جنگجویان اعطاء می شود، و بدین وسیله آتش جنگ برافروخته تر می گردد.

نمی پذیرد؛ اما پایان شوم جنگ ، کشتار ، ویرانی ، معلولین فراوان ، بیماریهای روحی و جسمی ، غارت اموال ، تجاوز به نوامیس ، و انواع بدبختی ها است که کام جنگ افروزان و ملل جنگ زده را تلخ می کند.

هم اکنون نمونه آشکار آن را در جنگ خائنانه و تحمیلی عراق و ایران به چشم خود می بینیم که انواع کمکهای نظامی و سلاحهای جنگی است که با پولهای سعودی و همکاران خود فروخته اش از طرف مصر ، اردن ، اسرائیل ، آمریکا ، شوروی و فرانسه سرازیر عراق می شود؛ و مسلمانان فریب خورده یا خود فروخته بعثی و مرتد را به ادامه جنگ علیه اسلام و مسلمانان ایران تشجیع می کند.

چنانکه جنگ اعراب و اسرائیل در رمضان ، جنگ مسیحیان لبنان با مسلمانان این کشور در چهار سال پیش ، و حمله فعلی اسرائیل به لبنان ، و کشتار بی رحمانه و بی حد و حساب مسلمانان این سرزمین هم نمونه های دیگری از پیشگوئیهای امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. امام (علیه السلام) این چنین سخن را ادامه می دهند که: « أَلَا وَفِي غَدِّ و سَيَأْتِي غَدِّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ يَا خُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّالِهَا عَلَى مَسَاوِيءِ أَعْمَالِهَا ، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كِبَادِهَا ، وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا ، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِه ، وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ »

آگاه باشید، در فردا فردائی که از آمدنش و آنچه همراه دارد نا آگاهید والی و زمامدار (با این ویژگی که بر اساس وراثت از حکومت های قبل، یا بند و بست با گروهها و احزاب چپ و راست، یا سرسپردگی به استعمارگران شرق و غرب روی کار نیامده)؛ کارفرمایان و عمال آن حکومتها را بحسب تجاوزات و خیانتهایی که مرتکب شده اند، محاکمه نموده، به کیفر رساند؛ و زمین پاره های جگر خود را برای او بیرون آورد، و از روی تسلیم و فروتنی کلیدهای خود (اختیار گوشه و کنار جهان) را به سوی او اندازد؛ و آنگاه او روش زمامداری و آئین دادگستری پیامبر را به شما نشان دهد، و آثار مرده و فراموش شده کتاب و سنت را دگر بار زنده، و به اجراء و گسترش در آورد.

ابن ابی الحدید در ذیل این فراز نوشته است: « أن الوالی یعنی امام الذی یخلقه الله تعالی فی آخر الزمان » بدون شك مقصود از والی در این عبارت امامی است که خداوند او را در آخر الزمان خلق خواهد کرد.

کلمه « أفالید » جمع « افلاذ » جمع « فلذ » به معنی پاره جگر است، و این کنایه از گنج ها و ذخائر زیر زمینی امثال طلا، نقره، الماس، نفت، و غیره است که برای قائم به امر (زمامدار) آشکار خواهد شد؛ و در بعضی از تفاسیر کلام



خداوند ، « وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا »<sup>(۱)</sup> به همین موضوع تفسیر شده است. آنگاه گوید: این مطلب در روایتی با تعبیر « و قاتت له الارض أفلاذ كبدها »<sup>(۲)</sup> آمده ، که معنای آن چنین است: « زمین پاره های جگر و ذخائر خود را به خارج پرتاب خواهد کرد. » نیز ابن اثیر پیرامون لغت « فلذ » گوید: از اخبار ساعت جمله « و تقى ء الارض أفلاذ كبدها » است؛ و معنای این جمله آنست که زمین گنجهای نهفته خود را خارج می کند ؛ و همانند این کلام است آیه: « وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا »<sup>(۳)</sup>.

و علامه قندوزی نیز این فراز از کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) را تحت عنوان « فی ایراد الکلمات القدسیه لعلی کرم الله وجهه ، التی ذکرها فی شأن المهدي فی کتاب نهج البلاغه » آورده است<sup>(۴)</sup>.

و حاکم در « مستدرک » به نقل از مجاهد از ابن عباس آورده که گفت:

و اما مهدی آنست که پر می کند زمین را از عدالت ، همچنانکه پر شده باشد از ستم؛ و در این موقع چهارپایان و درندگان در امنیت بسر خواهند برد؛ و زمین پاره های

ص: ۷۴

---

۱- سوره زلزال ۹۹/۲ .

۲- شرح نهج البلاغه ، ۹/۴۶ .

۳- نهاییه ، ج ۳ ص ۴۷۰ ؛ الفائق ، زمخشری ۳/۱۴۱ .

۴- ینابیع الموده ، باب ۷۴ ، ص ۵۲۴ ، چاپ نجف .

جگرش را بیرون اندازد. مجاهد پرسید: پاره های جگر زمین چیست؟ ابن عباس پاسخ داد: قطعاتی همانند ستونهایی از طلا و نقره (۱).

ص: ۷۵

---

۱- مستدرک، ج ۴ ص ۵۱۴.



«... یا قوم هَذَا إِبَانُ وُرُودِ كُلِّ مَوْعُودٍ، وَ دُنُوٌّ مِنْ طَلْعِهِ مَا لَا تَعْرِفُونَ. أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسَرَّاجِ مُنِيرٍ، وَ يَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ، لِيُجِلَّ فِيهَا رَبَقًا، وَ يُعْتِقَ فِيهَا رِقًّا، وَ يَصْدَعَ شَعْبًا، وَ يَشَعَبَ صِدْعًا، فِي سِتْرِهِ عَنِ النَّاسِ، لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ، وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ...» ای مردم اکنون هنگام فرا رسیدن فتنه هائی است که به شما وعده داده شده؛ و نزدیک است برخورد با رویدادهائی که حقیقت آن بر شما ناشناخته و مبهم خواهد بود. دانسته باشید آنکس که از طریق ما (مهدی موعود منتظر) به راز این فتنه ها پی برد و آن روزگار را دریابد، با مشعل فروزان هدایت ره بسپرد، و به سیره و روش پاکان و نیکان (پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام) رفتار نماید،

تا در آن گیر و دار گره ها را بگشایید ، و بردگان در بند ظلم و خودخواهی و ملت های اسیر استعمار را از بردگی و اسارت برهاند ، توده های گمراهی و ستمگری را متلاشی و پراکنده سازد ، و حق طلبان را گردهم آورد ، و بدیگر عبارت تشکیلات کفر و ستم را بر هم زند و جدائی و تفرقه اسلام و مسلمانان را تبدیل به یکپارچگی نموده و سامان بخشد.

این رهبر ( مدت‌ها بلکه قرن‌ها ) در پنهانی از مردم بسر برد و هر چند دیگران کوشش کنند تا اثرش را بیابند ، نشانی از رد پایش نیابند. در این هنگام گروهی از مؤمنان برای درهم کوبیدن فتنه ها آماده شوند ، همچون آماده شدن شمشیر که در دست آهنگر صیقل داده شده. همینان چشمانشان به نور و فروغ قرآن روشن گردد ، موج با شکوه تفسیر قرآن در گوش دلشان طنین انداز شود ، شامگاهان و صبحگاهان جانشان از چشمه حکمت و معارف الهی سیراب گردد. ابن ابی الحدید پیرامون این سخن می گوید: جمله « وَ دُنُوٌّ مِّنْ طَلْعِهِ مَا لَا تَعْرِفُونَ » کنایه از پیش آمدهای مهم و رویدادهای بی سابقه از قبیل

دابه الارض(۱)، دجال، فتنه ها و کارهای خارق العاده و وهم انگیز او، ظهور سفیانی، و کشتار بیش از حد مردم است.

آنگاه می نویسد:

امام با ایراد جمله « أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا » بذکر مهدی آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) پرداخته که از کتاب و سنت پیروی می کند. و جمله « فِی سِتْرِهِ عَنِ النَّاسِ » بیانگر موضوع پنهانی و غیبت این شخصیت والا مقام مورد اشاره است.

سپس می گوید:

این موضوع امامیه را در عقیده مذهبی (ولادت حضرت مهدی(علیه السلام)) سودی نبخشد؛ هرچند که پنداشته اند سخن امام تصریح به گفته آنها درباره غیبت مهدی است؛ زیرا جایز است که خداوند این چنین امامی را در آخر الزمان بیافریند و مدتی در پنهانی بسر برد، و دارای مبلغین

ص: ۷۹

---

۱- خداوند در قرآن مجید، سوره نمل ۲۷/۸۴، سخن از « دابه الارض » به میان آورده، و فرموده: « وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ » و به موجب نقل اکثر مفسران، مقصود از « دابه الارض » (جنبنده زمینی) موجودی است که از طرف خدا برانگیخته شود و با علامت مخصوص، مؤمن و کافر را از هم جدا و مشخص نماید. رجوع شود به « نهاییه » ابن اثیر، ج ۲ ص ۹۶.

و نمایندگانی باشد که دستورات او را به اجرا در آورند ، و از آن پس ظهور نماید و زمام کشورها را بدست گیرد و حکومتها را زیر سلطه خود در آورد و جهان را مسخر فرماید. (۱)

اکنون توجه خوانندگان را بدین نکته جلب می نماید که ابن ابی الحدید از یکسو انطباق کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) را بر عقیده شیعه درباره حضرت مهدی حجه بن الحسن العسکری (علیه السلام) و ولادت و زنده بودن آن بزرگوار باور نکرده و رد می کند؛ و از سوی دیگر جایز و ممکن می داند که حضرت مهدی (علیه السلام) پس از بدنیا آمدن ، مدتی را در حال غیبت و پنهانی بسر برد ، و نمایندگان و مبلغین از طرف حضرتش به وظائف محوله دینی پردازند ؛ آنگاه ظهور کند و رسماً مشغول به کار گردد.

بدون شک این نظریه جز تعصب و لقمه دور سر گردانیدن ، توجیه دیگری نمی تواند داشته باشد ؛ چه اگر ممکن باشد که آن حضرت بعد از بدنیا آمدن غایب گردد و . . . پس همان نظریه ای را ارائه داده است که شیعه می گوید ، منتها با یک اختلاف غیر اساسی ؛

و آن اینکه شیعه معتقد به ولادت امام زمان در سال ۲۵۶ هجری است ، و این اعتقاد مبتنی بر دهها حدیث از ناحیه امامان

ص: ۸۰

معصوم علیهم السّلام ، و اعترافات بیش از یکصد نفر از مورخان و دانشمندان اهل تسنن است که در مقدمه بدانها اشاره شد. نیز علامه قندوزی در باب ۷۴ « ینایع المودّه » این فراز از کلام امام را بعنوان مهدی موعود اسلام و مورد نظر شیعه ایراد نموده است.

ص: ۸۱





« وَقَدْ طَلَعَ طَالِعٌ ، وَ لَمَعَ لَامِعٌ ، وَ لَاحَ لَاحِحٌ ، وَ اعْتَدَلَ مَا تَدُلُّ ، وَ اسْتَبَدَلَ اللَّهُ بِقَوْمٍ قَوْمًا ، وَ بِيَوْمٍ يَوْمًا ، وَ انْتَهَزْنَا الْغَيْرَ الْغَيْرَ انْتِظَارَ الْمُجْدِبِ الْمَطَرِ . وَ إِنَّمَا الْأَيْمَةُ قَوْمٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ، وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ . . . »

طلوع کننده ای طالع شد؛ و درخشنده ای بدرخشید؛ و آشکار کننده ای آشکار گردید؛ و آنچه به انحراف گرائیده بود به حق و اعتدال برگشت؛ و خداوند گروهی را به گروهی تبدیل ، و روزی را در برابر روزی قرار داد.

جز این نیست که امامان ( بر حق ) پاسداران الهی بر خلق خدا هستند ، و آگاهان مراقب از طرف او بر بندگانش؛ کسی به بهشت نخواهد رفت مگر اینکه آنان را بشناسد؛ و هیچکس به دوزخ نخواهد رفت جز آنکه پیشوایان ( بر

حق) را انکار کند، و آنها او را جزو پیروان خود ندانند.

ناگفته پیدا است که مقصود از این سخن که شرط رفتن به بهشت را شناخت امامان، و مایه رفتن به جهنم را شناختن امامان(علیه السلام) و انکار آنان اعلام نموده شناختن و نشناختن امامان دروغین و پیشوایان ظلم و گمراهی نیست. بنابراین متصدیان امر خلافت قبل از علی(علیه السلام)، و معاویه ها و یزیدها و مروان ها و عبدالملک ها و هشام ها از بنی امیه، و سفاح ها و منصورها، و هرون ها و مأمون ها و متوکل ها و معتمدها و دیگران از بنی العباس (که سراسر عمرشان به کشتار اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)، و قتل و غارت مؤمنین و سادات، و پر کردن زندانها از افراد بیگناه، و راه انداختن مجالس شراب و قمار و زنا و هتک اسلام، و انواع جنایت طی گردید) کسانی نبودند که شناخت آنها شرط سعادت و نشناختنشان مایه گرفتاری باشد. آری اگر مقصود از این کلام، افراد نامبرده باشد، زمامداران خائن کشورها و مناطق مسلمان نشین و نوکران خود فروخته استعمار نیز دست کمی از آنان نداشته، و باید آنها هم معرفتشان مایه سعادت و عدم شناختشان مایه جهنم باشد؛ و این مطلبی است که هیچ مسلمان عاقلی زیربار آنها نمی رود. چنانکه هدف از شناسائی امامان راستین، تنها شناختن نام آنها و نام پدرانشان و اطلاع بر تاریخ ولادت و درگذشتشان نیست.

بلکه هدف اصلی از این وظیفه بزرگ اسلامی شناختن امام

است با ویژگیهای علمی و سیره اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، و دیگر شئون شخصی و امامتی، و اعتراف عقیدتی و عملی بمقام ولایت او.

و مقصود از شناخت آنان مردم را، شناختن بعنوان شیعه و در خط پیروی آنان بودن است؛ و این درست همان معرفت و شناسائی طرفینی مایه رفتن به بهشت و رهائی از جهنم است. اکنون با توجه به جملات « إِنَّمَا الْآءِئُمَّ قَوَّامٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ » به این نکته پی خواهیم برد که باید در هر عصر و دوره ای از اعصار و دورانهای اسلامی کسی وجود داشته باشد که تحت عنوان « امام » و « پیشوا » قائم بر خلق خدا و مراقب بر بندگان او باشد. این حقیقتی است غیر قابل انکار که جز بر اساس عقیده شیعه درباره دوازده امام و تولد و حیات امام دوازدهم، بر هیچ فرقه ای از دیگر فرق اسلامی (چه شیعه و چه سنی) منطبق نخواهد شد.

بدین ترتیب تنها کسیکه در طول حدود ده قرن و نیم گذشته تا کنون و بعدا هم تا عصر انقلاب جهانی اسلام می تواند از بین اقشار و توده های مختلف اسلامی، مصداق بی چون و چرای سخن امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد همانا حضرت بقیه الله الأعظم، مهدی منتظر، حجه بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد، که گذشته از شیعه، بیش از یکصد و بیست نفر از بزرگان علمای اهل سنت و مراجع درجه اول حدیثی، تاریخی، و ادبی آنها اعتراف به ولادت

و غیبت و نیز قیام جهانی حضرتش در آینده نموده اند. آری، او هم اکنون در هر کجا که هست به وظیفه قائمیت بر خلق خدا مشغول، و به گفته محقق طوسی علیه الرحمه:

« وجوده لطف، و تصرفه لطف آخر، و عدمه منّا»<sup>(۱)</sup> اصل وجودش لطف است، و دخالتش در امور لطفی دیگر، و عدم تصرف یا غیبتش از ناحیه ماست.

ص: ۸۶

---

۱- به « شرح تجرید » علامه، و « شرح تجرید » قوشجی مراجعه شود.

«... قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا، وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا مِنَ الْإِقْتِيَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِهَا، وَ التَّفَرُّغِ لَهَا، فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا، وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا. فَهُوَ مُغْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامُ، وَ ضَرَبَ بِعَسَائِبِ ذَنْبِهِ وَ أَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ، بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ» همانا زره دانش را بر تن پوشانده، و آن را با تمام آداب و شرائطی که می باید چون توجه به شناسائی و فراغت بال از سرگرمی به غیر آن پس حکمت گمشده او باشد که پیوسته در جستجوی آن است و خواسته اوست که در تعقیبش پرس و جو می کند. آن زمان که اسلام به غربت گراید و همانند شتری که

رنجور و از راه رفتن باز مانده دم خود را حرکت دهد و سینه بر زمین چسباند ( حرکت و سازندگی خود را از دست بدهد ، و او ( حضرت مهدی(علیه السلام) ) به غربت و پنهانی به سر برد ( تا موقعی که از طرف خدا مأمور به قیام گردد و اسلام را از غربت و فراموشی و حالت بی تفاوتی مردم برهاند ) .

او باقیمانده ای است از حجت‌های خدا و خلیفه ایست از خلفای پیامبران. ابن ابی الحدید پیرامون این فراز از سخن امیر مؤمنان(علیه السلام) نوشته است: این گفتار را هر گروهی بر اساس عقیده خود تفسیر کرده اند. شیعه امامیه گمان کرده اند که مقصود از این شخصیت ، مهدی منتظر می باشد. آنگاه به ایراد نظر صوفیه اهل تسنن و فلاسفه و دیگر همفکران خود که هیچ یک نه مستند بدلیل عقلی است نه نقلی پیرامون این فراز از سخن امام پرداخته و گوید: به نظر من بعید نیست که مراد از این شخصیت ، قائم آل محمد در آخر وقت باشد ، هنگامیکه خداوند او را بوجود آورد ، هر چند که الآن موجود نیست؛ زیرا در این کلام دلیلی بر وجود او نباشد؛ و اتفاق همه فرق اسلامی بر این است که ( عمر ) دنیا و تکلیف مردم جز با ظهور و قیام

اکنون توجه به این نکته لازم است که شارح معتزلی ، نخست برداشت شیعه از کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با تردید نقل کرده ، لیکن چون برگفته های صوفیه و فلاسفه و اصحاب خود دلیل قانع کننده ای نیافته ، ناگزیر تن به عقیده شیعه و صحت برداشت آن از سخن امام (علیه السلام) داده ، و صریحا اعتراف به پیشگویی آن حضرت از وجود مهدی و قیام جهانی او کرده است؛ اما درباره ولادت و حیات حضرتش تشکیک نموده ، می گوید:

در این کلام چیزی که در حال حاضر دلیل بر وجود او باشد به نظر نمی رسد. بدیهی است که این سخن از مثل ابن ابی الحدید ، با مقام فضلای که داشته ، جز به انکار حقایق و مخالفت از روی تعصب با شیعه ، به چیز تفسیر نمی شود. زیرا امیرمؤمنان (علیه السلام) درصدد معرفی اصل موضوع مهدی در اسلام و نقش وجودی او پس از ولادت و دیگر مراحل حیاتی آن موعود الهی بوده اند ، نه در مقام خبر دادن از ولادت و موجود بودن کسی که بیش از دو قرن بعد از حضرتش ولادت یافته ، تا در کلامش اشاره ای به موجودیت او باشد ، و ابن ابی الحدید ( بدون توجه به واقعیت تاریخ حضرت مهدی (علیه السلام) ) از آن اشاره بفهمد که

ص: ۸۹



مهدی در قرن هفتم زنده و موجود است ، و الا- منکر ولادت و حیات او گردد. در حدیثی که به نقل سیوطی در « عرف الوردی » ص ۱۲۶ ابن ابی شیبہ ، احمد بن حنبل (۱) ، ابوداؤد ، ابویعلی (۲) ، و طبرانی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده اند که ضمن پیشگوئی از مقدمات همزمان با ظهور مهدی (علیه السلام) همانگونه که امیر مؤمنان (علیه السلام) از اسلام تعبیر نموده حضرتش از پیش تعبیر و پیشگوئی نموده و می فرماید:

« يُلْقَى الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ » (۳)

یعنی اسلام را با کمال آرامش و با تمام ابعاد پیاده و گسترده می کند.

نیز نعیم بن حماد در « فتن » بنا به نقل سید بن طاووس (۴)

از پیامبر آورده که فرمود: « مهدی گنجها را استخراج می کند و اموال را تقسیم. » آنگاه فرمود: « يُلْقَى الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ »

ص: ۹۰

---

۱- مسند احمد بن حنبل ، ۶/۳۱۶.

۲- مسند ابویعلی ، ج ۱۲ ص ۳۷۰ ، شماره ۶۹۴۰.

۳- جران به معنای باطن گردن شتر است.

۴- الملاحم و الفتن ، ص ۴۴ ، باب ۱۴۶.

« أَلَا بِأَبِي وَ أُمِّي هُم مِّنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ. أَلَا فَتَوَقَّعُوا مَا يَكُونُ مِنْ إِدْبَارِ أُمُورِكُمْ ، وَ انْقِطَاعِ وُصَايِكُمْ وَ اسْتِعْمَالِ صِدْقَاتِكُمْ. ذَاكَ حَيْثُ تَكُونُ ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنُ مِنَ الدَّرْهِمِ مِنْ حِلِّهِ ، ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُعْطَى أَعْظَمَ أَجْرًا مِنَ الْمُعْطَى. ذَاكَ حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ ، نَيْلٌ مِنَ النِّعَمِ وَ النِّعِيمِ ، وَ تَحْلِفُونَ مِنْ غَيْرِ اضْطِرَارٍ ، وَ تَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِحْرَاجٍ . ذَاكَ إِذَا عَضَّكُمْ الْبَلَاءُ كَمَا يَعْضُ الْقَتَبُ غَارِبَ الْبَعِيرِ . مَا أَطْوَلَ هَذَا الْعَنَاءَ ، وَ أَبْعَدَ هَذَا الرَّجَاءَ » هَان ، پدر و مادرم به فدایشان باد؛ آنها گروهی باشند که نامهایشان در آسمان نزد فرشتگان معروف است ولی در

زمین ناشناخته اند؛ آگاه باشید شما آماده عقبگرائی امور خویش و گسیختگی پیوندها و روی کار آمدن کوچکان ( خردسالان ، نالایقان دون همت ) خویشان باشید.

ابن ابی الحدید می نویسد: « الامامیه تقول هذه العده هم الائمة الاحد عشر من ولده(علیه السلام) ؛ و غیرهم يقول انه عنی الابدال الذین هم أولیاء الله فی الارض . . . » امامیه گویند: این عده امامان یازده گانه از فرزندان آن حضرت(علیه السلام) هستند؛ و دیگران می گویند: مقصود حضرت از این کلام ابدالند که اولیاء خدا در زمین هستند؛ و ما پیش از این درباره قطب و ابدال بوضوح سخن گفته ایم. آنگاه می گوید: سخن آن حضرت که می فرماید: « نامهای آنان در آسمانها معروف است » یعنی فرشتگان معصوم آنها را می شناسند و خداوند اسماء آنان را به ایشان اعلام نموده است.

و اینکه فرموده: در زمین ناشناخته اند یعنی در نظر توده صمردم ( که ) بخاطر استیلاء و نفوذ گمراهی بر اکثریت آنان ( امامان بر حق را نمی شناسند یا نسبت بدانها بی تفاوتند ). در اینجا توجه خوانندگان را به این نکته معطوف می داریم که:

ابن ابی الحدید ، تفسیر عبارت امیر مؤمنان (علیه السلام) به امامان یازده گانه را به شیعه نسبت داده ، و تفسیر آن به ابدال و اولیاء در زمین را به دیگران؛ ولی خود اظهار نظری نکرده؛ زیرا گویا بدین

مطلب توجه داشته است که این چنین تعبیری از ناحیه امام امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره یک عده هر چند اولیاء خدا باشند اما بی نام و نشان و بدون هیچگونه نقش و مسؤولیتی ، به دور از حقیقت و غیر قابل قبول است.

بویژه آنکه موضوع ابدال و اقطاب ، ساختگی و فاقد ریشه اسلامی ، و یک عقیده صوفیانه و عوام فریبانه است که همچون اصل تصوف ، از پدیده های عقیدتی اهل تسنن سرنخ گرفته ، و ترکیبی از مسیحیت یونان و زردشتی گری ایران قبل از اسلام و بودائی هند می باشد. در حالی که تفسیر شیعه در مورد امامان معصوم علیهم السلام که به موجب آثار علمی و حدیثی باقیمانده از آنان ، بزرگترین نقش حمایت از اسلام ، و سازندگی علمی و عملی جامعه اسلامی را بر عهده داشته و دارند امری است معقول و بر اساس منطق اسلامی.

اکنون می پردازیم به ترجمه بقیه کلام امام (علیه السلام) که می فرماید: این ماجرا هنگامی به وقوع خواهد پیوست که تحمل انسان مؤمن در برابر ضربات شمشیر آسان تر باشد از بدست آوردن درهمی از راه حلال.

و هنگامی خواهد بود که اجر و ثوابِ گیرنده از دهنده بیشتر است ، چه دهنده از محل درآمد حرام و یا از روی ریا و خودنمائی و ولخرجی می بخشد ، در حالیکه گیرنده در جهت وظیفه شرعی و یا از روی اضطرار در راه حفظ جان خود و عائله اش مصرف می کند. این در موقعی باشد که ( شما مسلمانان ) مست می گردید اما نه با شراب ، بلکه بعلت فراوانی نعمت؛ و

سوگند می خورید اما نه از روی ناچاری؛ دروغ می گوید اما نه از روی حرج و ناگزیری.

این در وقتی خواهد بود که بلاها و مصیبت ها همانند باری گران که بر گرده شتر نهاده شده و سنگینی جهاز پشت آنها را مجروح نماید بر شما فشار آورد. آه ، این گرفتاری و سختی چه طولانی است! و امید رهایی از آن چه دور ! چون این فراز از کلام امام بیانگر حوادث ، انحطاط اخلاقی ، و مشکلات زندگی پیش از ظهور می باشد که مایه امتحان مردم ، و از شرائط مقدماتی ظهور مهدی (علیه السلام) ، و شاید پیوسته بعصر ظهور باشد ، بدین جهت ما هم چون دیگران آن را در این جا آوردیم. و ده ها حدیث مسلم از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان (علیه السلام) و صحابه درباره ائمه اثنی عشر بطور عموم ، و تعدادی شامل ذکر نام و مشخصات هریک از آنان بخصوص گواه بر مدعای شیعه

آری ، این امامان شیعه هستند که علاوه بر نقش رهبری و نشر علوم اسلامی ، همه پاره های تن امام امیرمؤمنان(علیه السلام) بوده ، و امام(علیه السلام) در حق آنها می فرماید: « پدر و مادرم فدایشان باد. » لکن متأسفانه تعصب مانع از رفتن زیر بار حقیقت و گردن نهادن حتی به واقعیات دینی است؛ و بدین ترتیب همچون شارح معتزلی ، ابن ابی الحدید ، را با مقام فضل و دانشش ، در مورد سخنان امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) وادار به خیالبافی و خلط مبحث و تفسیر « ما لا یرضی صاحبه » می کند که تن به قبولی امامت ائمه معصومین معرفی شده ندهد ، و بجای آنها رهبران دغلباز صوفیه را که خود گمراه ، و دیگران را گمراه کننده اند مطرح کرده و جا بیندازد.

علامه سید عبدالزهراء می نویسد(۱): ابوالحسن مدائنی این خطبه را در کتاب « صفین » آورده و می گوید: امام آنرا پس از پایان ماجرای نهروان ایراد فرموده. و آنگاه به ذکر فراز پیشین آن که شامل پیشگوئی از حوادث آینده است ، و طبق روایات از علائم ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) بشمار می آید پرداخته؛ و نویسنده هم بخاطر تأیید انطباق کلام امام(علیه السلام) با ائمه شیعه ، و برای آگاهی خوانندگان ارجمند ، به ذکر بخشی از آن می پردازد.

ص: ۹۵

« إذا كثرت فيكم الاخلاط ، و استولت الانباط ، و دنا خراب العراق ، و ذاك اذا بنيت مدینه ذات اثل و أنهار ، فاذا غلت فيها الأسعار ، و شيد فيها البنيات ، و حکم فيها الفساق . . . فیا لها من مصیبه حینئذ من البلاء العقیم و البكاء الطویل و الویل العویل و شده الصریخ ، ذلك أمر الله و هو کائن و فناء مریح ، فیا بن خیره الآباء متى تنتظر البشیر بنصر قریب من رب رحیم. ألا فویل للمتکبرین ، عند حصاد الحاصدین و قتل الفاسقین ، عصاه ذی العرش العظیم ، ألا بأبی و أمی هم من عده . . . » بطور خلاصه این فراز از سخنان امام (علیه السلام) شامل پیشگوئی درباره هرج و مرج های اخلاقی ، بوجود آمدن شهر بغداد ، خرابی عراق ، بالا-رفتن نرخها ، و بدنبال آن حوادث گریه آور ، ناله خیز و دردناکی است که بجرم بد رفتاریها و سرکشی ها به امر خدا بوقوع خواهد پیوست.

آنگاه از حضرت مهدی (علیه السلام) به عنوان « فرزند بهترین پدران » یاد فرموده ؛ و خبر از سرنوشت شوم و مرگ آوری می دهد که به کیفر سرپیچی از فرمان الهی و پیروی از دستورات دین در انتظار مستکبران و فاسقان است.

«... أَلْزَمُوا الْأَرْضَ ، وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ ، وَلا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سِيُوفِكُمْ فِي هَوَى أَلْسِنَتِكُمْ ، وَ لا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يُعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ . فَإِنَّهُ مَنْ مَيَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَيَاتَ شَهِيدًا ، وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ، وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ ، وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيِّفِهِ ، فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا . » بر جای خود استوار بوده ( بدون اجازه و حساب از اقدام به نبرد خودداری کنید ) ، در برابر بلاها و مشکلات ، پایدار باشید ، شمشیرهایتان را در راه هوی و هوس و



سخنانی که از زبانتان سر می زند به کار نیندازید(۱)؛ و درباره آنچه خداوند ، شتاب و عجله را نسبت به آن روا نداشته ، شتاب نکنید؛ زیرا کسی که از شما در بستر خود بمیرد ، اما آنچنانکه شایسته است خدا و پیامبر و اهل بیتش را که ( مسؤل مقام امامت و جانشینی پیامبرند ) شناخته باشد ، شهید از دنیا رفته است ، و پاداش او بر خداست ، و از ثواب کارهای شایسته ای که قصد انجام آن را داشته ، برخوردار خواهد بود ، و نیتش جایگزین شمشیر زدن برای خدا و جان باختن در راه اوست. پس توجه داشته باشید هرچیز را وقت مشخص ، و هر کاری را سرانجامی است. علامه قندوزی در « ینابیع الموده باب ۷۴ » این فراز از خطبه « نهج البلاغه » را ضمن دیگر فرازهای « نهج البلاغه » که مربوط به حضرت مهدی(علیه السلام) است ایراد نموده ، و بدین ترتیب اعتراف می کند که امام امیرالمؤمنین(علیه السلام) با ایراد این کلمات قدسیه ، پیشگویی از حضرت مهدی(علیه السلام) نموده ، و مردم را به وظیفه خود

ص: ۹۸

---

۱- و بنا بر حذف مفعول « و لا تحرکوا » ( که کلمه فتنه می باشد ) ترجمه عبارت چنین است: « و با دستها و شمشیرهایتان فتنه را تحریک نکنید ».

در فراز و نشیبهای زندگی و هنگام غیبت آن حضرت هشدار می دهد که مبادا از روی هوای نفس ، و بدون در نظر گرفتن مصالح اسلامی ، از روی احساسات اقدام به جنگ و شمشیر زدن کنند؛ و به خیال رسیدن به مقام شهادت ، خود و دیگران را به خطر اندازند.

ضمناً امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این فرمایش نظر مردم را به یک نکته بسیار ارزنده معطوف داشته ، و خاطر نشان می کند که نائل گردیدن به فیض اعلای شهادت ، تنها به رفتن در میدان جنگ و کشته شدن با سلاحهای مورد استفاده در جنگ نیست تا پیران ، زنان ، مسؤولان دیگر و وظائف ، و افراد ناتوان و معذور از رفتن به میدانهای جنگ برای رسیدن به فیض عظمای شهادت ، محروم و دچار حسرت شوند.

بلکه این گونه افراد ، یا افراد سالم و توانمندی که نقشهای گوناگون حیاتی و ارزشمند در جامعه اسلامی دارند ، اگر وظیفه خدانشناسی ، پیامبر شناسی ، و امام شناسی را در حدّ خود انجام داده ، و عملاً به لوازم آن پایبند باشند ، هرچند که در بستر آرام و در کنار زن و فرزند هم بمیرند ، شهید از دنیا رفته؛ و به پاس وظیفه شناسی از پاداش مقام شهادت برخوردار خواهند بود. بدیهی است کسانی که انواع مسؤولیتهای علمی ، اجتماعی و شرعی را به عهده دارند ، یا با قلم و بیان ، با طرح و نقشه ، با کمکهای مادی و تشویق نیروهای اعزامی ، از دور و نزدیک

جبهه های جنگ بر علیه کفر و استعمار را تقویت ، و عرصه را بر دشمن تنگ می کنند؛ یا از همین طرق به ترویج اسلام و تضعیف دشمنان در محیط های غیر جبهه جنگ می پردازند ، و از صرف امکانات مادی و معنوی خود در این باره دریغ نمی ورزند؛ همه و همه مصداق واقعی و نمونه فرمایش امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) قلمداد شوند ، و هر چند که در بستر خواب از دنیا بروند برخوردار از مقام شهید خواهند بود. و هر آنکس که در وظائف خداشناسی ، پیامبر شناسی و امام شناسی ، یا گردن نهادن به لوازم آن تقصیر کند و از روی هوی و هوس ، و به طمع سود مادی یا شهرت ، در میدان جنگ هم که شرکت کند و کشته شود ، شهید مورد نظر و گواهی قرآن و اسلام نخواهد بود.

آری ، نمونه آن خوارج و افراد لشکر عمر سعد در کربلا بودند ، که صدها نفر از آنها در میدان جنگ کشته شدند در حالیکه امامهای برحق خود را شناخته ، یا شناخته بودند ، و با جبهه گیری شمشیر بر روی آنان کشیدند.

چنانچه نمونه آن در حال حاضر رو در روئی و جنگ گروهی از مردم عراق علیه ایران است که بخاطر مطامع و منویات شوم دشمنان اسلام ، دو کشور مسلمان نشین را به خاک و خون کشیدند.

بنابراین عراقیان بیشماری که با شرکت اختیاری در این غائله

جان خود را از دست دادند ، نه تنها نمی توان نام شهید بر آنها نهاد ، که با قیام مسلحانه علیه مسلمانان ، مفسد فی الارض و عامل بزرگترین جنایت بوده؛ و خود و اربابانشان در پیشگاه خداو خلق روسیاه ، و گرفتار کیفر آن همه تجاوزات و کشتارها و زیانهای مادی و معنوی خواهند بود. بطور خلاصه امام(علیه السلام) با ایراد این سخن ، سرعت فرا رسیدن قیامت را بدانچه رخ داده و به وقوع پیوسته تشبیه نموده؛ و آنگاه این مطلب را با حرف « قد » ، که به اصطلاح بیانگر تحقیق است ، تأکید نموده و میگوید: چنان است که نشانه های آن ( قیامت ) مثل ظهور دجال ، ظهور مهدی و عیسی علیهما السلام ، و جز اینها ( دیگر چیزهای حتمی الوقوع ) لباس وجود پوشیده. ابن میثم پیرامون جمله « وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى أَلْسِنَتِكُمْ » نوشته است: این سخن نهی از جهاد بدون فرمان یکی از امامان ( معصوم ) پس از امیرمؤمنان است که از فرزندان حضرتش می باشند؛ و این به هنگامی خواهد بود که کسی از آن امامان به منظور برقراری حکومت حقّ بپا نخواسته باشد؛ چه اینگونه حرکتها و جنبشها جز با اجازه امام وقت جایز

نخواهد بود.... (۱).

ص: ۱۰۲

---

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۴ ص ۲۱۰.

« اللَّهُمَّ بَلَى! لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا ، وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ. وَكَمْ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلَادِكَ؟ أَوْلَادِكَ وَاللَّهِ الْأَقْلُونَ عَيْدًا ، وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا. يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَّتَهُ وَبَيِّنَاتِهِ ، حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ ، وَيَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ. هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ ، وَاسْتَلَانُوا مِمَّا اسْتَعَوْرَهُ الْمُتَرَفُّونَ ، وَانْسَوُوا بِمِمَّا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ ، وَصَيَّرُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحَهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى. أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ. آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ! انصَرِفْ يَا كَمِيلُ إِذَا شِئْتَ. »

بار خدایا چنین است که هرگز زمین به لطف تو از کسیکه با حجت و دلیل بامر حق قیام کند و دین الهی را بر پا دارد خالی نخواهد ماند ، خواه ظاهر باشد و آشکار ( مثل امامان یازده گانه معصوم ) خواه در حال ترس و پنهانی ، تا دلائل الهی و مشعلهای فروزان او از بین نرود. و آنها چند نفرند و کجایند؟

آنان بخدا سوگند تعدادشان اندک ، اما از حیث مقام و منزلت نزد خدا بسی بزرگ و ارجمندند. خداوند به وسیله آنان حجت ها و دلائل روشنش را پاسداری کند ، تا آنها بکسانی همانند خود بسپارند و بذر آن را در دلهای افرادی چون خودشان بیفشانند. علم و دانش با حقیقتی آشکار بدانها روی آورد؛ و آنها روح یقین را با نهادی آماده و پاک لمس نمایند؛ آنچه را دنیاپرستان هوس باز دشوار و ناهموار شمرند ، آنها برای خویش آسان و گوارا دانند؛ و آنچه را ابلهان از آن هراسان باشند ، بدان انس گیرند. دنیا را با تن هائی همراهی کنند که ارواحشان بجهان بالا پیوسته است. آنها در زمین خلفای الهی باشند و دعوت کنندگان بدینش.

آه آه بسی مشتاق و آرزومند دیدارشان هستم ، ای کمیل هم اکنون اگر می خواهی بازگرد.

این فراز از سخنان امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تحت شماره ۱۴۷ کلمات « نهج البلاغه » ذکر شده ، و عده ای از اعلام ادب و تاریخ و حدیث از اهل تسنن نیز آن را آورده اند. (۱)

ابن ابی الحدید همچون بسیاری از شارحان « نهج البلاغه » ( با توجه به جمله های « قائم لله بحجه » و « خلفاء الله فی ارضه » و « الدعاه الی دینه » و دیگر جملات و قرائن مندرجه در این فراز از کلام امام که جز بر پیامبر و امام معصوم بعد از او ، بر هیچ مقام و شخصیتی منطبق نمی شود ) نتوانسته است دلالت این قسمت از سخنان آن بزرگوار را بر عقیده شیعه در مورد امامت و خلافت

ص: ۱۰۵

---

۱- بعنوان نمونه: ابن عبدربه در « عقد الفرید » ج ۱ ص ۲۵۶ ، و در ص ۲۹۳ ( بخش اول آن را ) ؛ ابن واضح ( یعقوبی ) در « تاریخ یعقوبی » ج ۲ ص ۴۰۰ ؛ ابن قتیبه دینوری در « عیون الاخبار » ؛ بیهقی در « المحاسن و المساوی » ص ۴۰ ، باب محاسن آداب ( فرازهایی از آنرا ) ؛ خطیب در « تاریخ بغداد » ج ۶ ص ۴۷۹ در ترجمه اسحاق نخعی ؛ فخر رازی در تفسیر « مفاتیح الغیب » ج ۲ ص ۱۹۲ ؛ ابن عبدالبر در « جامع بیان العلم » ، چنانکه در مختصر آن ص ۲۹ ؛ خوارزمی در « مناقب » ص ۳۹۰ ؛ ابن ابی الحدید در « شرح نهج البلاغه » ج ۱۸ ص ۳۵۹ ؛ آن را نقل کرده اند.



علنی یازده امام معصوم ، و امامت و خلافت توأم با غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی (علیه السلام) انکار نماید و نوشته است:

این جمله اعتراف صریح امام نسبت به مذهب امامیه است.<sup>(۱)</sup>

لکن بر اساس عقیده شخصی اش ( انکار تولد حضرت مهدی (علیه السلام) ) در جا زده و می گوید: جز آنکه اصحاب ما آن را حمل بر وجود ابدال می نمایند که اخبار نبوی درباره آنان وارد گردیده. و این همان پوشاندن لباس باطل بر حق و بعکس است که قرآن مجید می فرماید: « وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »<sup>(۲)</sup> حق را بیاطل پوشانید و آن را کتمان کنید در حالیکه می دانید حقیقت چیست و حق کدام است. و نیز می فرماید: « لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »<sup>(۳)</sup> چرا حق را بیاطل می پوشانید و آن را کتمان می کنید در

ص: ۱۰۶

---

۱- شرح نهج البلاغه ، ج ۱۸ ص ۳۵۱.

۲- بقره ۲/۴۲.

۳- آل عمران ۳/۷۱.

حالیکه می دانید حقیقت چیست و حق کدام است. امام (علیه السلام) در این فراز پر محتوی از کلام خود، قبل از هر چیز توجه مسلمانان را به ضرورت مسأله رهبری در اسلام و نیاز بی چون و چرای جامعه اسلامی به وجود امام واجد شرائط، در هر عصر و زمانی معطوف داشته و در قالب راز و نیاز، یا شاهد گرفتن خدا بر گفتار خود در بیان یک حقیقت دینی خاطر نشان می کند که:

نباید صحنه زمین از کسیکه قائم بامر حق و بر پا دارنده آن باشد خالی بماند؛ چه در این صورت حجت های الهی خلل پذیر، و نشانه های او باطل خواهد شد. از آن پس امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به تشریح موقعیت امامان راستین و مقام رهبری اسلام (که در وجود خود و فرزندان معصومش خلاصه گردیده) می پردازد و مجدداً نظر مسلمانان را بدین نکته متوجه می کند که: عهده دار مقام رهبری و مسئول زعامت بر مسلمانان، یا از آزادی برای تصدی و انجام وظائف رهبری در جهت نشر علوم قرآن، ترویج احکام اسلام، جوابگوئی به مشکلات و مبارزه با فساد برخوردار است (همچنانکه حضرتش با ده نفر از امامان دیگر هر یک تا حدی از این آزادی برخوردار بودند) و یا بر اثر حاکمیت زمامداران خود فروخته و ستمگر، و نا مساعد بودن زمینه برای انجام وظیفه رهبری از ترس جان خود و شیعیانش

در حالت ناشناسی و پنهانی بسر می برد (همچنانکه امام دوازدهم حضرت مهدی (علیه السلام) با چنین موقعیتی روبرو و مبتلا گردید). آری، تا آنجا جو حاکم، امام و شیعیانش را وادار به اختفای از دشمن و تقیه کرد که طبق احادیث مربوطه (۱) شیعیان بخاطر مسائل امنیتی حتی از تصریح به نام امام دوازدهم ممنوع گردیده، و با رمز و اشاره از حضرتش سخن می گفتند. و در مرحله سوم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به تعداد امامان اشاره نموده، و با اداء سوگند، کمی و محدودیت آنها را اعلام و تأکید فرموده است؛ آنچنانکه با در نظر گرفتن احادیث وارده از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره خلفای اثنی عشر تنها با ائمه دوازدهگانه

ص: ۱۰۸

---

۱- درباره بحث و بررسی و هدف اصلی از صدور این احادیث، تألیفاتی چند از محققان حدیث شناس و دانشمندان بزرگ شیعه بر جای مانده، که از جمله آنهاست: «شرعه التسمیه فی النهی عن التسمیه» از میرداماد، چاپ اصفهان. «رساله فی تحریم تسمیه صاحب الزمان» از شیخ سلیمان ماحوزی (۱۱۲۱). نیز کتابی به همین نام از سید رفیع الدین محمد طباطبائی از مشایخ مرحوم علامه مجلسی. رساله «اشراق الحق» در جواز بردن نام حضرت مهدی (علیه السلام)، از سید کمال الدین حسین بن حیدر مفتی کرکی. برای شناخت تفصیلی این کتابها مراجعه شود به «مهدی منتظر را بشناسید» بقلم مؤلف این کتاب، و «الذریعه» ج ۱۰.

مورد قبول شیعه می تواند منطبق گردد ، دیگر هیچکس . در مرحله چهارم امام (علیه السلام) پس از برشمردن یک سلسله برتریها و ویژگیهای معنوی این گروه که تنها در خور شأن پیامبران و جانشینان آنهاست می فرماید: « اینان خلفای خدا در زمین و دعوت کنندگان بدین او هستند. » اکنون در صورتی که می بینیم قرآن مجید از پیامبران الهی همچون داوود بعنوان خلیفه خدا نام برده و می گوید: « يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ » (۱) ای داوود! ما تو را خلیفه خود در روی زمین قرار دادیم؛ پس بین مردم به حق داوری نما. بدین نکته پی خواهیم برد که جز پیامبر و جانشین بر حق او که نقش رهبری و تعلیم و تربیت مردم را بعهدہ دارند ، کسی نمی تواند خلیفه خدا در زمین باشد. بنابراین مقصود امیرمؤمنان (علیه السلام) از این عده خلفاء ، همان امامان راستین شیعه می باشد که مسؤولیت راهنمایی و رهبری مسلمانان از طرف خدا وسیله پیامبرش به دوش آنها نهاده شده است.

و اما خلفای انتخابی مردم را ( بفرض اینکه انتخاب صد در صد صحیح و بی قلب و غش انجام شده باشد ) نمی توان از آنان به

ص: ۱۰۹

« خلیفه خدا » تعبیر کرد و تنها میتوان بعنوان « خلیفه مردم » از آنها نام برد. لکن متأسفانه زمامداران اسلامی و متصدیان مقام خلافت که از آغاز امر در برابر اهل بیت تشکیل جبهه داده بودند ، نه خلیفه الله بودند ( بدلیل آنکه هیچگونه نصی بر خلافت هیچیک از ناحیه خدا و رسولش اعلام و ارائه نشده بود ) و نه خلیفه مسلمین ( چون به آراء عمومی مراجعه نشده بود ). آری ، همانطوری که خود در بسیاری از مراسم انتخاباتی دنیا ملاحظه می کنیم که قبل از رفتن مردم پیاپی صندوقهای رأی ، آنها را با آراء از پیش تهیه شده پر می کنند ؛ یا کارگردانان و آمارگران صندوقها ، نام هر کس را که قرار است می خوانند و موفقیتش را اعلام می کنند ؛ و تنها بر اساس تباری و توطئه قبلی با گروهی انگشت شمار ، پستها تقسیم می شود. خلافت این افراد هم دست کمی از انتخابات این چینی نداشته است. مگر نه این بود که زمامداری نخستین متصدی خلافت بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون شرکت و رضایت و موافقت بنی هاشم و شخصیتهای صحابه و آنهایی که به اصطلاح اهل تسنن اهل حل و عقد بودند ، انجام گرفت؟! و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اینباره فرمود:

« وَاعْجَبَا ! اَنْتُمْ كُنْتُمْ بِالْخِلَافَةِ بِالصَّحَابَةِ وَلَا تَكُونُ بِالصَّحَابَةِ وَالْقِرَابَةِ »

و چه شگفت انگیز است! آیا امر خلافت با عنوان صحابی بودن مقرر می گردد اما با عنوان صحابی باضافه خویشاوندی نه؟! و نیز فرمود:

فَإِنْ كُنْتَ بِالشُّورَى مَلَكَتْ أُمُورَهُمْ

فَكَيْفَ بِهِذَا وَالمُشِيرُونَ عُتِبُ

وَإِنْ كُنْتَ بِالقُرْبَى حَاجَجْتَ خَصِيمَهُمْ

فَعَيْرُكَ أَوْلَى بِالنَّبِيِّ وَ أَقْرَبُ (۱)

ص: ۱۱۱

---

۱- نهج البلاغه ، نسخه چاپ صبحی صالح ، حکمت ۱۹۰ ؛ و ابن ابی الحدید در « شرح نهج البلاغه » ( ج ۱۸ ص ۴۱۶ حکمت

و مگر جز این بود که عمر تنها با میل شخص ابوبکر و قرار طرفین روی کار آمد؟! و مگر غیر از این بود که شورای خلافت از طرف عمر، بعد از وی علی را بر اثر تمرد از عمل به سیره شیخین از تصدی خلافت معزول و ممنوع ساخت، و عثمان را بر اساس تعهد به عمل بر سیره شیخین روی کار آورد؛ و این نقشه ای بود که عمر طراح آن بود و بدست یک یا دو نفر از اعضای شورای شش نفری اجرا و پیاده شد.

و آیا زمامداران بنی امیه، بنی مروان و بنی العباس با تهی دستی

ص: ۱۱۲

از تمام شرائط خلافت و انواع کمبودهای عقیدتی و اخلاقی جز وراثت پدری و خانوادگی . . . ، یا تباری و سازش با چند نفر حاشیه نشینان دربار خلافت و تعزیه گردانان حکومت در هر عصر و دوره یی ، و یا کشتار اهل حق و ایجاد خفقان در بین مردم مسلمان ، و خلاصه به استضعاف کشاندن مسلمانان و سوء استفاده از عناوین اسلامی و ضعف بنیه فکری و مالی مردم چه چیز در رسیدن آنان به مقام خلافت و زمامداری مؤثر بود؟! اکنون بر میگردیم به اصل سخن که بر اساس توضیحی که داده شد موضوع ابدال و اقطاب را ( که ناشی از افکار خرافی و صوفیانه اهل تسنن و فاقد هر گونه ریشه اسلامی است ) نمیتوان آنچنانکه ابن ابی الحدید ادعا و تفسیر نموده فرمایش ، امام را بر آن منطبق نمود. راستی جای بسی تعجب و تأسف است که دانشمندی ادیب ، مورخ ، متکلم و تاحدی حدیث شناس ، و آشنا با واقعتهای اسلامی همچون ابن ابی الحدید این گونه برای فرار از رفتن زیر بار خلفای بر حق پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان راستین شیعه و مورد احترام اهل تسنن ( که همه شئون مادی و معنوی آنها بر مردم آشکار و قابل درک بوده و هست ) تن بدین خرافات داده ، و در حقیقت کلام صریح و روشن مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام را به باد مسخره گرفته است ، و می گوید مقصود آن حضرت از این سخنان ابدال و اقطاب بوده است.



در حالیکه قرآن مجید از این گونه افراد کج گرا چنین تعبیر می کند:

« وَ جَعَلُوا بَيْنَهُمَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا » (۱) انحراف گرایان در حالیکه حق را به یقین می شناختند از روی ظلم و سرکشی آن را انکار کردند.

ص: ۱۱۴

---

۱- سوره نمل ۲۷/۱۴.

« لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلَدَهَا، (۱) ( وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: ) وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۲) ». دنیا پس از چموشی همچون شتری که از دوشیدن شیرش ( بخاطر بچه اش ) امتناع می ورزد با مهربانی همانند مادر نسبت به بچه اش رو می آورد. ( آنگاه این آیه را

ص: ۱۱۵

---

۱- نیز این کلام را علامه سید عبدالزهراء حسینی در « مصادر نهج البلاغه » ج ۴ ص ۱۷۱ از « خصایص » سید رضی ص ۳۹ و « ربیع الابرار » زمخشری ج ۱ ورقه ۷۴ و « مجمع البیان » طبرسی ج ۷ ص ۲۳۷ آورده است.

۲- سوره قصص ۵/۲۸.

تلاوت فرمود: ) می خواهیم بر آنان که در زمین ناتوان شمرده شدند تفضل نموده و آنان را پیشوایان جهان و وارثان زمین قرار دهیم.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این فراز از سخنان خود چنین خاطر نشان فرموده که دنیا پس از روگردانیدن از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دیر یا زود انعطاف نشان داده ، بدانها رو کند. اکنون آیا مقصود از این رو کردن ، پیروزی افراد برتر و شایسته تر بر کفر و ظلم جهانی ، به شکل حکومت و استقرار حق است ، یا ضعف و نابودی دشمنان و از بین رفتن موانع و بالاخره آماده شدن زمینه برای گسترش آثار علمی و اخلاقی آنها در سراسر گیتی؟! هر دو نظریه ، بویژه نظریه نخست از طرف شارحان نهج البلاغه ارائه گردیده؛ ولی پر واضح است که نشر آثار علمی و اخلاقی اهل بیت بطور مطلق و همه جانبه ، مستلزم حاکمیت مطلقه و پیروزی کامل بر عموم دشمنان است؛ و این مطلب با توجه به گواه قرار دادن حضرت ، آیه شریفه را بر کلام خود ، امری است قطعی. زیرا آیه شریفه بیانگر پیروزی و رهبری و دست یابی مطلق و بی قید و شرط مستضعفان است نسبت به آنچه در اختیار مستکبران و تحت نفوذ زمامداران گمراه و تجاوزگر قرار گرفته؛ و تحقق چنین امری جز به استقرار حکومت جهانی حق و عدالت به

دست اهل بیت ، به چیزی میسر نگردد؛ و مصداق آن به اتفاق عموم ، « حضرت حجه بن الحسن العسکری » عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ابن ابی الحدید پیرامون این سخن گوید:

امامیه پنداشته اند که حضرتش با این جمله به امام غائبی وعده داده است که در آخر الزمان بزمامداری زمین نائل خواهد شد. و اصحاب ما گویند: این جمله وعده به امامی است که صاحب اختیار زمین و مسلط بر کشورهای جهان خواهد شد؛ ولی لازمه این وعده موجود بودن و غائب بودن او نیست؛ بلکه در صحت این تعبیر کافی است که در آخر وقت بوجود آید. (۱) بدین ترتیب ملاحظه می کنید که ابن ابی الحدید ایراد کلام امام (علیه السلام) را درباره حضرت مهدی (علیه السلام) پذیرفته؛ اما مثل همیشه از اعتراف به ولادت و حیات آن بزرگوار امتناع ورزیده است. اکنون می گوئیم درست است که لازمه ایراد این وعده ، موجود بودن و غائب بودن امام مهدی (علیه السلام) به هنگام سخن نیست؛ لکن با توجه به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ (یا ۲۵۶) هجری قمری ، نه در حال حاضر مانعی از انطباق سخن امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

ص: ۱۱۷

بر آن بزرگوار وجود دارد ، و نه در عصر ابن ابی الحدید که حدود چهار قرن از تولد آن حضرت می گذشته؛ چه ابن ابی الحدید در رجب ۶۴۴ تألیف « شرح نهج البلاغه » را آغاز ، و در آخر صفر ۶۴۹ به انجام رسانیده است و در نتیجه مقصود از این کلام همانست که شیعه امامیه گفته و می گوید.

ص: ۱۱۸

«... فاذا كان ذلك، ضرب يعسوب الدين بذنبه، فيجتمعون إليه كما يجتمع قزع الخريف» پس آنگاه که وضع این چنین شد، پیشوای دین به خشم آید و آمادگی خود را اعلام کند؛ در این موقع مؤمنین باشتاب دورش جمع شوند، همانگونه که ابرهای پائیزی به هم پیوسته شوند. در لغت عرب «يعسوب» به ملکه زنبور عسل گفته می شود؛ و چون روش زندگانی این حیوان بظاهر کوچک، اما پر برکت برخوردار از موقعیت رهبری زنبوران عسل است که با جاه و جلال، و دارای نقش حیاتی در جهت پیدایش و زیست صدها و

ص: ۱۱۹

هزارها زنبور عسل ، و محصول ارزنده و شفا بخش آنها است ، در حقیقت أنفع و أظهر حیوانات است؛ امیر مؤمنان (علیه السلام) از فرزندش حضرت قائم (علیه السلام) ( به خاطر نقش رهبری و روش حکومتی حضرتش که توأم با عدل و امنیت جهانی ، و مایه سعادت و نجات بشر ، و مفیدترین و منزه ترین حکومتهای جهان از انواع آلودگی و وابستگی و تجاوزها خواهد بود ) تعبیر به « یعسوب » فرموده و گوید:

یعسوب دین بهنگام ظهور همچون شیر که به هنگام غضب دم بر زمین می زند و نعره می کشد حالت خشم از خود نشان دهد؛ و با قاطعیت خود را معرفی ، و آمادگیش را برای قیام جهانی اعلام فرماید. در این موقع مؤمنان ، آنچنانکه توده های ابر پائیزی با سرعت به هم می پیوندند ، از هر سوی دنیا ، شتابان به دور او گرد آیند و با رهبری حضرتش وارد صحنه عمل شوند. نیز پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کرارا از امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بعنوان « یعسوب » دین نام برده؛ چنانکه شخص امام (علیه السلام) نیز در کلماتش ، از خود تعبیر به « یعسوب » فرموده است .<sup>(۱)</sup> سید رضی ، مؤلف « نهج البلاغه » ، می گوید: « یعسوب » آقای بزرگی است که در آن روز زمامدار

ص: ۱۲۰

مردم خواهد بود. و « قزع » توده های ابر بدون آب است. ابن ابی الحدید می نویسد: این خبر از پیشگوئیهای می باشد که امام ایراد نموده؛ و از مهدی آخرالزمان یاد فرموده است. و معنای « ضَرْبٌ بِعَدْنِهِ » به حال استقرار و آرامش در آمدن بعد از اضطراب است. چه « یعسوب » ملکه زنبور عسل و رهبر آن است؛ و بیشتر اوقاتش در حال پرواز با دو بال خود می باشد؛ و هنگامی که دم خود را بر زمین می زند دیگر از پرواز و حرکت باز ایستاده ، به آرامش گراید.

آنگاه می نویسد:

خواهید گفت: این نظریه همانند عقیده امامیه است در اینکه مهدی به حال ترس و پنهانی در گوشه و کنار زمین به سر برد؛ آنگاه در آخر الزمان ظهور کند و در مرکز حکومت خود ثابت و مستقر گردد. ولی من می گویم طبق مذهب ما ( اهل تسنن ) بعید نیست که امام مهدی ، همان کسیکه در آخر الزمان ظهور می کند ، نخست از روی مصلحتی که خدا از آن آگاه است در حال اضطراب و پراکندگی حکومت نماید ، و از آن پس

ص: ۱۲۱



حکومتش مستقر، و پراکندگیش سامان یابد. (۱) در این جا باز می بینیم ابن ابی الحدید برای فرار از رفتن زیر بار ولادت و غیبت آن حضرت، به توجیه ناموجه پرداخته؛ و احتمالات غیر قابل انطباق با پیشگوئی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دستاویز قرار داده؛ و با لقمه دور سر گردانیدن، همان نظریه شیعه را ارائه می دهد، منتها در قالب عقیده شخصی خودش. نیز هروی این فراز را به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آورده، و همچون ابن ابی الحدید پیرامون آن اظهار نظر کرده است. (۲)

و زمخشری گوید: (۱۹۲)

جمله « ضَرَبَ بِعَصِيْبِ دَنْبِهِ » ( که معنایش دم بر زمین زدن است ) در این مورد به معنای ایستادگی و پایداری او با پیروان خویش است. (۳) ابن اثیر بدنبال نقل این جمله می نویسد: مقصود دوری گزیدن از برخورد با فتنه و شتابان سیر کردن با اتباع خود در زمین میباشد. (۴)

ص: ۱۲۲

---

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۱۹ ص ۱۰۴.

۲- غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۸۵، و ج ۳ ص ۴۴۰، چاپ دائرة المعارف هند.

۳- الفائق، ج ۲ ص ۴۳۱؛ بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۱۱۳ به نقل از زمخشری.

۴- النهایه، ج ۴ ص ۱۷۰.

و علامه قندوزی در باب ۷۴ کتاب «ینایع الموده» منظور امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از این سخن، حضرت مهدی (علیه السلام) دانسته است.

در پایان، با توجه به اظهار نظرهایی که درباره این فراز از سخن امام (علیه السلام) بعمل آمده چنین استفاده میشود: ۱ پیشگویی امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از ظهور فرزندش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان یک امر مسلم و شدنی. ۲ ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) بشکل قیام گسترده دینی، و بعنوان زمامدار مطلق و بی چون و چرای جهان اسلام. ۳ حضرتش، همانند ملکه زنبور عسل، از یکسو نقش مرکزیت و رهبری جامعه مؤمنین را به عهده خواهد داشت؛ و از سوئی وجود مقدس او در روش حکومتی مایه خیر و برکت و موجودیت افراد بشر است، چنانکه ملکه زنبور عسل خود منشأ پیدایش و ادامه حیات هزاران هزار زنبور کارگر، فعال و عسل ساز می باشد.

۴ هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) توده های انبوه مردم از گوشه و کنار جهان همچون توده های ابرپائیزی با شوق و شتاب به سوی او رهسپار، و پروانه وار دور شمع وجودش گرد آیند. ۵ حضرت مهدی (علیه السلام) بدون هیچگونه برخورد زیان بخشی با فتنه ها و از ناحیه فتنه جویان با پیروان خود به پیروزی مطلق میرسد و سرانجام مشکلات و موانع یکی پس از دیگری از

ص: ۱۲۳

سراش برطرف خواهند شد. آری اینها حقایقی است که ده ها بلکه صدها روایت از پیامبر و امامان معصوم بیانگر آنست و بخاطر اختصار علاقمندان را بمصادر مربوطه ارجاع میدهیم.

ص: ۱۲۴

« أَمَا بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ ، وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ، أَيُّهَا النَّاسُ ، فَإِنِّي فَقَّاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ . . . » اما بعد از حمد و ثنای خداوند ، ای مردم ، من چشم فتنه را در آوردم . . . . ابن ابی الحدید پس از تأیید اعتبار و ارزش تاریخی این خطبه می گوید: علی (علیه السلام) پس از انقضای داستان نهروان ، این خطبه را ایراد فرموده؛ و خطبه دارای فرازهایی بوده که سید رضی آنها را ایراد نکرده است. آنگاه بذکر فرازهای ایراد نشده پرداخته؛ و از آن جمله است: « فانظروا أهل بیت نیبکم ، فان لبدو فالدوا ، و اذا استنصروکم فانصروهم ، فلیفرجن الله الفتنه برجل منا

بأبي ابن خيره الاماء ، لا يعطيهم إلا السيف ، هرجا هرجا موضوعا على عاتقه ثمانيه أشهر ، حتى تقول قریش: لو كان هذا من ولد فاطمه لرحمنا. يغريه الله بنى أميه حتى يجعلهم حطاما ورفاتا ملعونين أينما ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلا سئنه الله في الذين خلوا من قبل وكن تجد لسئنه الله تبديلا» (۱) به اهل بيت پیامبر خود بنگرید؛ پس اگر آنان بر جای خود نشستند شما هم بنشینید؛ و اگر بپا خواستند شما هم به پا خیزید؛ و اگر از شما یاری طلبیدند آنها را یاری دهید. شکی نیست که خداوند بوسیله مردی از ما خاندان (پیامبر) با در هم کوبیدن فتنه ، مردم را از آن برکنار کند ( آنچنانکه پوست حیوان را از گوشت جدا سازند). پدرم بقدای پسر بهترین کنیزان که جز شمشیر چیزی بدانها ( فتنه جویان و مفسدان فی الارض ) حواله ندهد؛ کشتار و نابودی است که بدان محکوم شوند؛ هشت ماه شمشیر از دوش ننهد تا آنکه قریش گویند: اگر این شخص ( مهدی ) از فرزندان فاطمه بود بر ما رحم می کرد. خداوند او را برای در افتادن با بنی امیه برانگیزد تا آنجا

ص: ۱۲۶

که آنان را تار و مار سازد؛ ( و چنانکه خداوند در قرآن فرموده است: ) آنها رانده شدگان هستند که هر جا آنان را بیابند محکوم بمرگ نمایند.

این سنت الهی باشد که در حق پیشینیان به اجرا در آمده ، و از این پس هم خلل ناپذیر خواهد بود. ابن ابی الحدید می نویسد: اگر سؤال شود: آن شخصی که به آن وعده داده شده و امام(علیه السلام) با جمله « پدرم بفدای پسر بهترین کنیزان » از وی تعبیر نموده کیست؟ گفته می شود: اما امامیه ، پس به گمان آنها وی امام دوازدهم ایشان است؛ و وی فرزند کنیزی به نام نرجس می باشد.

اما اصحاب ما ( اهل تسنن ) ، پس گمان کرده اند او فاطمی است که در آینده از کنیزی متولد خواهد شد ، و در حال حاضر ( عصر ابن ابی الحدید ) موجود نیست. و اگر گفته شود از بنی امیه چه کسی در آن وقت موجود است تا آن شخص موعود انتقام بنی امیه را از او بگیرد ، در حالیکه ( و ) طبق جمله « فعند ذلک تود قریش بالدنیا و ما فیها لو یرونی مقاما واحدا. و لو قدر جزر جزور » که در متن خطبه است آنان خوش دارند که علی(علیه السلام) بر آنان حکومت می کرد؟

ص: ۱۲۷

می گوئیم: اما امامیه ، پس قائل به رجعت هستند؛ و به گمان آنها در آینده به هنگام ظهور امام منتظرشان ، گروهی از افراد بنی امیه و دیگران به دنیا باز خواهند گشت و امام منتظر دست و پای آنها را قطع ، و دسته ای را میل در چشمانشان فرو برد ، و دسته دیگر را بدار کشد ، و انتقام آل محمد را از دشمنان پیشین و آینده بگیرد.

و اما اصحاب ما ( اهل تسنن ) چنین پندارند که خداوند از این پس در آخرالزمان مردی را از فرزندان فاطمه ، که در حال حاضر موجود نیست ، خلق کند و او زمین را سرشار از عدالت کند همچنانکه از ظلم و ستم سرشار گردیده ؛ و از ستمگران انتقام گیرد و به سخت ترین شکلی آنان را کیفر دهد ؛ و او از کنیزی خواهد بود ؛ و همانطوریکه درین فراز از کلام امیرمؤمنان(علیه السلام) و دیگر آثار وارد شده ، نامش همانند رسول الله صلی الله علیه و آله ، « محمد » می باشد ؛ و هنگامی ظهور کند که ملکی از دودمان بنی امیه بر بیشتر کشورهای اسلامی حکومت نماید ، و او همان سفیانی موعود در خبر صحیح ، و از اولاد ابوسفیان بن حرب بن امیه خواهد بود که امام فاطمی او و پیروانش از بنی امیه و دیگران را خواهد کشت.

ضمناً در پایان این مقال یاد آور می شویم: نخستین کس از مورخان و نویسندگان اسلامی که این خطبه را آورده ، سلیم بن قیس عامری ( در گذشته ۹۰ هـ ) بوده است.(۱)

و بعد از او ابواسحاق ، ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی ( در گذشته ۲۸۳ هـ ) آنرا نقل کرده است.(۲)

البته همانطوری که ابن ابی الحدید گفته است ، اصل خطبه بیش از مقداری است که سید رضی در نهج البلاغه آورده؛ و نامبردگان ، هر دو آن را با اضافات و اختلاف در بعضی الفاظ و تقدم و تاخر قسمتی از جملات ، در مصادر زیر نقل کرده اند. نیز شیخ حر عاملی ، در « وسائل الشیعه » قسمتی را که ویژه امام زمان است و ما نقل کردیم و در « اثبات الهداه » ج ۵ ، قسمتهای دیگری را آورده ؛ و علامه مجلسی در مجلد هشتم « بحار الانوار » آن را نقل کرده اند.

ص: ۱۲۹

- 
- ۱- رجوع کنید به « کتاب سلیم بن قیس » چاپ بیروت که به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است.
  - ۲- الغارات ، ج ۱ ص ۵۷ ۶۰؛ این کتاب با مقدمه مفصل و پاورقیهای بیش از اصل کتاب و فهرس گوناگون ، به قلم مرحوم محدث ارموی ، وسیله انجمن آثار ملی در دو مجلد چاپ و منتشر گردیده است.



در پایان ، با توجه به شماره مسلسل این خطبه ، شایسته بود این فراز را قبل از دیگر فرازهای مربوط به حضرت مهدی(علیه السلام) مطرح کنیم ، لکن چون در متن « نهج البلاغه » ذکر نشده بود ، و از جهتی خارج از موضوع کتاب بود ، در اینجا به ذکر آن پرداختیم. و آخرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اصفهان ربیع الثانی ۱۴۰۳ مهدی فقیه ایمانی (۲۰۵)

ص: ۱۳۰

الاتحاف بحب الاشراف عبدالله شبرواى اثبات الهداه شيخ حر عاملى اخبار الدول ابوالعباس قرمانى ارجح المطالب امرتسرى حنفى ازاله الخفاء شاه والى الله دهلوى استقصاء الافهام ميرحامد حسين هندی اسعاف الراغبين صبان مصرى الأعلام خيرالدين زرکلى الامام الثانى عشر سيد محمد سعيد عبقاتى بحار الانوار علامه محمد باقر مجلسى البرهان على وجود صاحب الزمان سيد محسن امين عاملى البيان فى اخبار صاحب الزمان گنجى شافعى تاريخ آل محمد قاضى بهلول زنگنه زورى

تاریخ بغداد خطیب بغدادی تاریخ الخمیس دیار بکری تاریخ گزیده حمدالله مستوفی تاریخ یعقوبی ابن واضح یعقوبی تتمه المختصر ابن وردی تذکره خواص الائمة سبط ابن جوزی تفسیر ابن کثیر دمشقی تنقیح الادله و العلل افضل الدین صدرخجندی تیسیر الوصول ابن دبیع شیبانی جامع الاصول ابن اثیر جزری جواهر المزیئه ملاء علی قاری جوهره الکلام قراغولی بغدادی حبیب السیر خواند میر حلیه الاولیاء حافظ ابونعیم اصفهانی دائره المعارف محمد شفیق غربال مصری دول الاسلام شمس الدین ذهبی الذریعه الی تصانیف الشیعه حاج شیخ آغا بزنگ تهرانى روضه الاحباب سید جمال الدین شیرازی روضه الشهداء ملاحسین کاشفی روضه الصفا میر خواند روضه المناظر ابن شحنه حلبی

ص: ۱۳۲

سامراء فى اءب القرن الثالث الهجرى ىونس اءمء سبائك الذهب مءمء امىن بءءاءى سرءشمه ءصوف سعءء نفىسى سرّ  
السلسله العلوىه ابونصر بءارى سمء النءوم العوالى عبءالمك عصامى سنن الكبرى بىهقى سىره الامام الهاءى سىء عبءالرزاق  
شاكربءرى شءراء الذهب ابن عماء ءمشقى شرح ءءرىء علامه ءلى شرح ءءرىء قوشءى شرح ءىوان امىرالءؤمنىن مىبءى  
ىزءى شرح عقاىء نسفى ءفءازانى شافعى شرح المقاصء ءفءازانى شافعى شرح نهء البلاءه ابن ابى ءءىء  
مىثم شعب الاىمان بىهقى شواهء النبوه عبءالءمىن ءامى صءاء الاخبار سراء ءءىن رفاعى صءىء بءارى صءىء مسلم  
الصواعق المءرقه ابن ءءر هىثمى

ص: ١٣٣

العبر فى خبر من غير شمس الدين ذهبى عقد الفريد ابن عبدربه اندلسى عيون الاخبار ابن قتيبه دينورى الغارات ابواسحاق ثقفى  
كوفى غريب الحديث ابويعيد هروى الفائق زمخشرى فتح المنان احمد منينى دمشقى فتوحات مكيه محى الدين ابن عربى فرائد  
السمطين ابراهيم جوينى شافعى فصل الخطاب خواجه پارسا بخارى حنفى الفصول المهمه ابن صباغ مالكى الكامل ابن اثير  
جزرى كشف الاستار حاجى نورى كفايه الطالب گنجى شافعى كنز العمال متقى هندى الكنى و الالقاب دولابى لواقح الانوار  
شعرانى مبسوط شمس الدين سرخسى مثنوى مولوى رومى مجمع الزوائد نورالدين هيتمى مجمع الفصحاء رضا قلى هدايت

ص: ۱۳۴

مجمّل فصیحی احمد فصیح خوافی المحاسن و المساوی ابراهیم بیهقی مختصر جامع بیان العلم ابن عبدالبر احمد محمصانی  
لبنانی المختصر فی اخبار البشر ابوالفداء

مراه الاسرار عبدالرحمن چشتی صوفی مراه الجنان عبداللّه یافعی المرقاه فی شرح المشکوه ملاً علی قاری مروج الذهب  
مسعودی مستدرک حاکم نیشابوری مسند احمد بن حنبل مسند روینانی مسند طیالسی مشارق الانوار حمزاوی مصادر نهج  
البلاغه سید عبدالزهراء حسینی مطالب السؤل ابن طلحه شافعی معجم البلدان یاقوت حمومی معجم کبیر طبرانی معراج الوصول  
شمس الدین زرندی مفاتیح العلوم خوارزمی مفاتیح الغیب فخر رازی مقتل امام حسین خوارزمی

ص: ۱۳۵

مكاشفات على اكبر مورودى هندی مكتوبات احمد فاروقى نقشبندى مناقب اخطب خوارزمى مواليد الاثمه ابن ابى ثلج بغدادى  
موده القربى سيد على همدانى نقض كتاب العثمانيه اسكافى نور الابصار سيد مؤمن شبلنجى نور الهدايه جلال الدين دوانى  
نهايه ابن اثير نهج البلاغه ( چاپ ) صبحى صالح وسائل الشيعه شيخ حر عاملى وفيات الاعيان ابن خلكان ينابيع الموده قندوزى  
حنفى اليواقيت و الجواهر عبدالوهاب شعرانى

ص: ۱۳۶

## فهرست مطالب کتاب

پیشگفتار ۵۰۰۰

مهدویت در اسلام ۱۱۰۰۰

شناخت کوتاه از حضرت مهدی (علیه السلام) ۱۵۰۰۰

ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) ۱۹۰۰۰

مهدی منتظر در نهج البلاغه ۴۱۰۰۰

امامت و رهبری در نهج البلاغه ۴۵۰۰۰

پیشگوییهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۵۱۰۰۰

خطبه ۱۰۰ ۵۳۰۰۰

خطبه ۱۳۸ ۵۷۰۰۰

خطبه ۱۵۰ ۶۵۰۰۰

خطبه ۱۵۲ ۷۱۰۰۰

ص: ۱۳۷



خطبه ۷۵ ... ۱۸۲

خطبه ۷۹ ... ۱۸۷

خطبه ۸۵ ... ۱۹۰

حکمت ۹۱ ... ۱۴۷

حکمت ۱۰۳ ... ۲۰۹

حکمت یکم ... ۱۰۷

خطبه ۱۱۳ ... ۹۳

منابع کتاب ... ۱۱۹

فهرست مطالب کتاب ... ۱۲۵

آثار تألیفی مؤلف درباره حضرت مهدی (علیه السلام) ... ۱۲۷

ص: ۱۳۸

## آثار تألیفی مؤلف درباره حضرت مهدی(علیه السلام)

۱- مهدی منتظر یا مصلح جهان . ترجمه «المهدی» مرحوم آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر ، با مقدمه مفصّلی شامل معرفی دهها نفر مهدی های دروغین ، چاپ ۱۳۷۴ قمری .

۲- مهدی منتظر را بشناسید . شامل معرفی ۴۰۰ جلد کتاب و رساله خطّی و چاپی اختصاصی درباره حضرت بقیّه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، چاپ ۱۳۴۶ شمسی .

۳- مهدی منتظر در نهج البلاغه ( از نظر ابن ابی الحدید) . کتاب حاضر ، مشتمل بر پیشگوئیهای امام امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در مورد حضرت مهدی(علیه السلام) ، که بیاری خداوند با تغییرات و اضافات ، تجدید چاپ شد.

۴- موسوعه الامام مهدی . چاپ قم ، شعبان ۱۴۰۱ ه ق.

ص: ۱۳۹

شامل ۵۶ متن عربی، از علمای سنی که در قالب کتابی مستقل، یا بخشی از کتب حدیث و غیره، یا بصورت مقاله در مجلات خارجی پیرامون خصوصیات و شؤون حیاتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به ترتیب تاریخ فوت نویسندگان، در دو جلد بزرگ تنظیم و به سال ۱۴۰۲ هجری قمری در بیروت چاپ و منتشر گردید.

۶- شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی .

ویژه بحث و بررسی پیرامون اسناد و محتوای حدیث: « من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة » ، چاپ ۱۳۷۰ ش. (۲۲۴)

ص: ۱۴۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

